Accepted Manuscript

Accepted Manuscript (Uncorrected Proof)

Title: Designing a Model for Public Volunteer Participation in Flood Crisis Management: A Grounded Theory Approach (Case Study: Yazd Red Crescent Society)

Authors: Ali Mojganian[1], Negar Jalilian[1,*]

1. *Imam Javad University, Yazd, Iran.*

To appear in: **Disaster Prevention and Management Knowledge**

Received date: 2026/06/29

Accepted date: 2026/09/26

First Online Published: 2026/10/28

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

This is a “Just Accepted” manuscript, which has been examined by the peer-review process and has been accepted for publication. A “Just Accepted” manuscript is published online shortly after its acceptance, which is prior to technical editing and formatting and author proofing. Archives of Rehabilitation provides “Just Accepted” as an optional service which allows authors to make their results available to the research community as soon as possible after acceptance. After a manuscript has been technically edited and formatted, it will be removed from the “Just Accepted” Website and published as a published article. Please note that technical editing may introduce minor changes to the manuscript text and/or graphics which may affect the content, and all legal disclaimers that apply to the journal pertain.

Please cite this article as:

Mojganian, A., & Jalilian, N. [Designing a Model for Public Volunteer Participation in Flood Crisis Management: A Grounded Theory Approach (Case Study: Yazd Red Crescent Society)]. Disaster Prevention and Management Knowledge. Forthcoming 2026.

نسخه برون شده پیش از انتشار

نسخه پذیرفته‌شده پیش از انتشار

عنوان: طراحی الگوی جذب مشارکت داوطلبانه مردمی در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب ها با رویکرد داده بنیاد (مورد مطالعه: سازمان هلال احمر یزد)

نویسندگان: علی مزگانیان[1]، نگار جلیلیان[1]*

1. موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران.

نشریه: **دانش پیشگیری و مدیریت بحران**

تاریخ دریافت: 1405/4/8

تاریخ پذیرش:1405/7/4

تاریخ انتشار اولیه: 1405/08/05

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

این نسخه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» مقاله است که پس از طی فرایند داوری، برای چاپ، قابل پذیرش تشخیص داده شده است. این نسخه در مدت کوتاهی پس از اعلام پذیرش به صورت آنلاین و قبل از فرایند ویراستاری منتشر می‌شود. نشریه آرشیو توانبخشی گزینه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» را به عنوان خدمتی به نویسندگان ارائه می‌دهد تا نتایج آن‌ها در سریع‌ترین زمان ممکن پس از پذیرش برای جامعه علمی در دسترس باشد. پس از آنکه مقاله‌ای فرایند آماده سازی و انتشار نهایی را طی می کند، از نسخه «پذیرفته‌شده پیش از انتشار» خارج و در یک شماره مشخص در وب‌سایت نشریه منتشر می‌شود. شایان ذکر است صفحه آرایی و ویراستاری فنی باعث ایجاد تغییرات صوری در متن مقاله می‌شود که ممکن است بر محتوای آن تأثیر بگذارد و این امر از حیطه مسئولیت دفتر نشریه خارج است.

لطفا این‌گونه استناد شود:

Mojganian, A., & Jalilian, N. [Designing a Model for Public Volunteer Participation in Flood Crisis Management: A Grounded Theory Approach (Case Study: Yazd Red Crescent Society)]. Disaster Prevention and Management Knowledge. Forthcoming 2026.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

Abstract

The present study aims to design a model for attracting voluntary public participation in flood crisis management, with a focus on the Red Crescent Society of Yazd. In terms of purpose, it is applied research, and from a philosophical standpoint, it follows an interpretive paradigm. Adopting an inductive approach and employing the Grounded Theory method, the study analyzes the lived experiences of practitioners in this field. Data were collected through in-depth interviews with 12 experts, managers, rescuers, and volunteers who were active in recent floods, selected through purposive and theoretical sampling, and the data were analyzed until theoretical saturation was reached. The findings indicate that public participation is a multidimensional phenomenon that acquires meaning within the tripartite context of "trust and transparency," "applied training," and "institutional organization." In this model, participation is regarded not as a temporary auxiliary resource but as a form of social and strategic capital that requires continuous institutionalization. The results suggest that the most effective form of participation is the presence of trained personnel equipped with local resources during the "golden minutes" of a crisis. Finally, by proposing a shift from a "reactive, organization-centered approach to crisis management" toward "community-based resilience management," this study offers solutions such as enhancing the transparency of relief processes and establishing neighborhood-based volunteer networks for the optimal utilization of local capacities.

Keywords: Participation, Crisis Management, Flood, Grounded Theory, Yazd Red Crescent Society

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی جذب مشارکت داوطلبانه مردمی در مدیریت بحران سیل و با تمرکز بر سازمان هلال احمر یزد، از نظر هدف کاربردی و از منظر فلسفی تفسیری است. این مطالعه با رویکردی استقرایی و بهره‌گیری از روش « داده‌بنیاد»، به واکاوی تجارب زیسته فعالان این حوزه پرداخته است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۲ نفر از کارشناسان، مدیران، نجاتگران و داوطلبان فعال در سیلاب‌های اخیر که به روش هدفمند و نظری انتخاب شده بودند، گردآوری و تا رسیدن به اشباع نظری تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد مشارکت مردمی پدیده‌ای چندبعدی است که در بستر تعامل سه‌گانه «اعتماد و شفافیت»، «آموزش کاربردی» و «سازماندهی نهادی» معنا می‌یابد. در این مدل، مشارکت نه به عنوان یک منبع کمکیِ مقطعی، بلکه به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی و راهبردی نگریسته می‌شود که نیازمند نهادینه‌سازی مستمر است. نتایج حاکی از آن است که مؤثرترین شکل مشارکت، حضور نیروی انسانی آموزش‌دیده همراه با تجهیزات محلی در دقایق طلایی بحران است. در نهایت، این پژوهش با پیشنهاد گذار از « رویکرد واکنشی و سازمان‌محور به مدیریت بحران » به «مدیریت تاب‌آوری جامعه‌محور»، راهکارهایی نظیر شفاف‌سازی فرآیند کمک‌ها و تشکیل شبکه‌های داوطلبی محله‌محور را برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های محلی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت بحران، سیلاب، داده بنیاد، سازمان هلال احمر یزد

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

مقدمه

مخاطرات طبیعی، بخشی از رفتار محیط است که در هر زمان و مکان احتمال رخداد آن وجود دارد. فراوانی گستردگی و شدت این نوع مخاطرات در دهۀ اخیرافزایش یافته است. آگاهی از رفتار مخاطرات طبیعی وشناخت کانون های رخداد آنها برای برنامه‌ریزی محیطی و توسعه پایدار اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است (حیدری‌فر و همکاران،۱۳۹۹). مخاطرات محیطی(اعم از طبیعی و انسانی)، تهدید کننده و قادر به آسیب رساندن به فضای فیزیکی و اجتماعی بشری هستند. این آسیب نه تنها در حین وقوع رخ می‌دهد، بلکه در درازمدت نیز محتمل است. مخاطرات محیطی توسط سه عامل طبیعت، انسان و تکنولوژی حادث می شود (Senturk et.al, 2026). این حوادث وقتی در بستر شهر روی می دهند با توجه به ماهیت غیرمترقبه بودن غالب حوادث طبیعی و لزوم اتخاذ سریع و صحیح تصمیم ها و اجرای عملیات، مبانی نظری وبنیادی، دانشی را تحت عنوان مدیریت بحران به وجود آورده است. یکپارچگی مدیریت بحران کمک می‌کند تا ساماندهی مطلوب تری در امورات مربوط به مدیریت بحران صورت گیرد (Orru et.al, 2026، شاطری و همکاران، ۱۴۰۰).

در سطح جهانی، سیلاب‌ها به عنوان یکی از مخرب‌ترین بلایای طبیعی، ابعاد گسترده‌ای از آسیب‌های انسانی و اقتصادی را به همراه دارند. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد (UNDRR, 2023)، تغییرات اقلیمی باعث افزایش شدت و فراوانی وقوع سیلاب در مناطق مختلف جهان شده است که این امر، پایداری جوامع را به شدت تهدید می‌کند. همچنین، بانک جهانی (World Bank, 2023) در گزارش‌های خود بر هزینه‌های هنگفت ناشی از خسارات زیرساختی و کشاورزی در اثر سیلاب‌ها تأکید دارد که روند صعودی آن با تشدید بحران‌های آب و هوا همسو است. در ایران، با توجه به قرارگیری در موقعیت جغرافیایی خاص، پتانسیل وقوع طیف گسترده‌ای از سوانح طبیعی (برآورد شده بین ۳۱ تا ۴۱ نوع سانحه) وجود دارد که سیلاب‌ها در میان آن‌ها، بالاترین نرخ آسیب‌پذیری و خسارت را دارا هستند. گزارش‌های سازمان مدیریت بحران کشور نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، شدت و تواتر سیلاب‌ها در ایران به طور قابل توجهی افزایش یافته است؛ به طوری که در وقوع سیل‌های گسترده (مانند سیل فروردین ۱۳۹۸)، خسارات اقتصادی و اجتماعی بسیار سنگینی به روستاها و زیرساخت‌های شهری وارد شده است.

در ایران نیز روند وقوع سیلاب در سال‌های اخیر با شدت فزاینده‌ای مواجه بوده است. آمارها نشان می‌دهد که تعداد وقوع سیل در دهه‌ی اخیر نسبت به دهه‌های گذشته چندین برابر افزایش یافته و به یکی از پیچیده‌ترین معضلات محیط شهری تبدیل شده است (نجفی و بارگاهی، ۱۳۹۸). رخداد سیل فروردین ماه سال ۱۳۹۸، که بخش‌های وسیعی از استان‌های گلستان، لرستان، خوزستان، فارس و سیستان و بلوچستان را دربر گرفت، نمونه‌ای از این بحران‌های گسترده بود که خسارات مالی و انسانی سنگینی برجای گذاشت. بر اساس گزارش رسمی سازمان مدیریت بحران کشور، در این حادثه بیش از ۴۰۰ شهر و ۴۰۰۰ روستا دچار آسیب و خسارتی بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد گردید (حجازی و همکاران، ۱۳۹۸).

افزایش فشار جمعیتی، توسعه‌ی نامتوازن شهری و نبود زمینه‌های پایدار کشاورزی باعث شده است تا بخش بزرگی از جمعیت انسانی به سوی دشت‌های سیلابی و حریم رودخانه‌ها مهاجرت کنند. این امر موجب تشدید خسارات ناشی از وقوع سیلاب‌ها شده و اثرات مخرب آن را بر زیرساخت‌های شهری، سکونتگاه‌ها و منابع طبیعی دوچندان کرده است (نجفی کانی و همکاران، ۱۴۰۰). در ایران افزایش جمعیت، گسترش مناطق شهری در حریم رودخانه‌ها و تغییر کاربری غیرمنطقی اراضی موجب رشد خسارات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از سیل گردیده است. همچنین تخریب پوشش گیاهی، آلودگی منابع آب و تجاوز انسان به طبیعت وضعیت محیط‌زیست را تضعیف کرده و تاب‌آوری اکولوژیک مناطق سیل‌خیز را کاهش داده است (صالحی، ۱۳۹۹).

با توجه به افزایش فراوان خسارات جانی و مالی ناشی از سیلاب در سال‌های اخیر، ضرورت دارد تا مدیریت بحران سیل از رویکردهای صرفاً سازه‌ای به رویکردهای اجتماعی و مشارکتی تغییر یابد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۱).

آن چه در مدیریت بحران بلایای طبیعی دارای اهمیت است، جذب مشارکت‌های حداکثری مردمی است (باستانی و همکاران، ۱۴۰۲). چنانچه دولت نتواند از ظرفیت مشارکت‌های مردمی در مهار بحران استفاده کند، محتمل هزینه‌های سنگین و جبران

ناپذیری خواهد شد. تشکل های مردم نهاد به عنوان یکی از گروه های داوطلب مردمی، توانایی ایفای نقش کلیدی در این زمینه را از خود دارند. مشارکت داوطلبانه مردم در مراحل پیشگیری، آمادگی، امداد و بازسازی پس از بحران می‌تواند نقش مؤثری در کاهش پیامدهای مخرب سیل و افزایش تاب‌آوری جوامع شهری و روستایی ایفا کند (Watkins & Collins, 2024، یزدانی، عادلیان راسی و پروین، ۱۴۰۴). این امر مستلزم شناخت دقیق عوامل مؤثر بر جذب مشارکت مردمی و به‌کارگیری راهکارهای آموزشی، فرهنگی و مدیریتی متناسب با شرایط هر منطقه است. در سیل ۱۴۰۱ یزد نیز خسارات جانی و مالی فراوانی برجای ماند. یکی از مسایل مهم در مدیریت بحران های زیست محیطی نقش مردم و مشارکت های داوطلبانه شهروندان در مدیریت بحران است. اگر مردم مشارکت کافی در این زمینه نداشته باشند خسارات مالی بسیاری به دولت وارد خواهد آمد و مدیریت کارآمد بحران با اختلال‌های جدی مواجهه خواهد شد. به همین علت بررسی نقش تشکل های مردم نهاد در بحران های زیست محیطی بالاخص سیل و زلزله بسیار حایز اهمیت است.

در همین راستا، پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد و تمرکز بر سازمان هلال‌احمر یزد، به طراحی چارچوبی برای شناسایی عوامل مؤثر بر جذب مشارکت داوطلبانه مردمی در مدیریت بحران سیل بپردازد. به همین منظور، با تحلیل مصاحبه‌های عمیق با کارشناسان، مدیران، نجاتگران و داوطلبان فعال در حوزه مدیریت سیلاب، این مطالعه شرایط علی، واسطه‌ای، محیطی، راهبردها و پیامدهای مشارکت داوطلبانه را شناسایی می‌کند تا الگویی برای بهبود مدیریت مشارکت‌های مردمی در بحران سیل ارائه دهد. این پژوهش با پر کردن شکاف‌های موجود در مطالعات پیشین، گامی در جهت تقویت مشارکت‌های مردمی در مواجهه با بلایای طبیعی برمی‌دارد.لازم به ذکر است که در این پژوهش، منظور از رویکرد واکنشی و سازمان‌محور به مدیریت بحران، رویکردی است که بخش عمده ظرفیت‌های مدیریتی و مشارکت مردمی را در زمان وقوع بحران و با محوریت نهادهای رسمی فعال می‌کند؛ در حالی که رویکرد تاب‌آوری جامعه‌محور، بر تقویت ظرفیت‌های جامعه محلی پیش از وقوع بحران، از طریق آموزش، اعتمادسازی، سازماندهی داوطلبان، دسترسی به منابع و تجهیزات محلی و ایجاد سازوکارهای هماهنگ مشارکت تأکید دارد. از این منظر، مسئله اصلی پژوهش حاضر صرفاً چگونگی استفاده از مشارکت مردم در زمان وقوع سیلاب نیست، بلکه شناسایی شرایط و سازوکارهایی است که می‌تواند مشارکت داوطلبانه را از یک واکنش مقطعی در زمان بحران به ظرفیتی آماده، سازمان‌یافته و پایدار برای پیشگیری، آمادگی و مقابله با سیلاب تبدیل کند. بنابراین، گذار موردنظر در این پژوهش، گذار از اتکای صرف بر مداخلات واکنشی نهادهای رسمی به سمت تقویت ظرفیت‌های جامعه و مشارکت سازمان‌یافته مردم در چرخه مدیریت بحران است.

پیشینه پژوهش

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

الله‌وردی و اخباری (۱۴۰۰) با هدف شناسایی متغیرهای اثرگذار بر تمایل شهروندان به مشارکت، از روش آمیخته (کیفی-کمی) در منطقه شش تهران استفاده کردند؛ به این صورت که ابتدا با ۲۰ شهروند مصاحبه کیفی انجام شد و سپس پرسشنامه‌ای بر پایه یافته‌های کیفی در نمونه‌ای گسترده‌تر توزیع گردید. یافته‌ها نشان داد که میزان اعتماد پاسخگویان و همچنین احساس تعلق آن‌ها به شهر و محیط اجتماعی، در سطح متوسط قرار دارد. ریکی و همکاران (۱۴۰۰) با رویکردی کاربردی و ترکیبی (کیفی-کمی)، به بررسی میزان مشارکت شهروندان در مدیریت مناطق پنج‌گانه شهری زاهدان پرداختند. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ساکن در مناطق مذکور بود که با محاسبه حجم نمونه به روش کوکران، داده‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. یافته‌های حاکی از آن است که در میان بسترهای مختلف مدیریت شهری، تنها بستر اجتماعی-فرهنگی میانگین بالاتر از حد متوسط (عدد ۳) کسب کرده است. این نتیجه نشان‌دهی آن است که بستر اجتماعی-فرهنگی، بیشترین نقش را در افزایش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری زاهدان دارد. صابری فر (۱۴۰۱) در مطالعه‌ی خود احتمال مشارکت شهروندان در مدیریت بحران بر اساس نظریه تخصیص زمان (نمونه موردی شهر مشهد) را پیش‌بینی نمود. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و در قالب نظریه تخصیص کلاسیک زمان انجام شد. داده‌های مورد نیاز از طرح دوره واکنش اضطراری محلات شهرداری مشهد, اخذ شده و با استفاده از دو روش پارامتریک

و ناپارامتریک لاجیت موضعی, تحلیل شد. نتایج نشان داد که متغیرهای سن، سطح تحصیلات و تعداد فرزندان، احتمال حضور زنان و مردان در فعالیت‌های مشارکتی در مبحث مدیریت بحران را افزایش می‌دهد.

ولی‌پور هفشجانی (۱۴۰۲) با روش کیفی و پدیدارشناسی (ون منن)، به روایت‌پژوهی آثار اجتماعی مشارکت مردمی در مدیریت بحران کرونا بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان پرداخت. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه بازپاسخ و پس از رسیدن به اشباع نظری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد مشارکت مردمی در رویارویی با کرونا، تأثیرات اجتماعی قابل توجهی بر دانشجومعلمان داشته که در دو دسته تغییرات نگرشی (مانند درک اهمیت کمک، همدلی و انسجام اجتماعی) و تغییرات عملکردی (همراهی گسترده با این حرکت مردمی) قابل طبقه‌بندی است. سلطانی، خانکه و نصیری (۱۴۰۴) به شناسایی و تبیین فرایندهای موردنیاز ساماندهی داوطلبان مشارکت در مدیریت بحران‌های احتمالی شهر تهران پرداختند. این پژوهش کاربردی با رویکرد کیفی و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۳ نفر از خبرگان حوزه مدیریت بحران شهری و شهروندان تهرانی انجام شد و داده‌ها با روش تحلیل محتوا تبیین گردید. نتایج نشان داد ساماندهی بهینه داوطلبان مستلزم چهار فرایند اصلی فرهنگ‌سازی، برنامه‌ریزی، جذب و سازمان‌دهی و آموزش است که از مضامین ۱۹۹ کد اولیه استخراج شده و دربرگیرنده ۱۷ مفهوم است. عابدی و شاه محمدی (۱۴۰۲)، در پژوهشی با روش آمیخته، نقش تاب‌آوری اجتماعی را در مدیریت بحران‌های اجتماعی بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که آگاهی موقعیتی، مدیریت آسیب‌پذیری‌ها و ظرفیت تطابق‌پذیری (با تأثیر ۷۵ تا ۷۸ درصد)، از طریق افزایش مشارکت جمعی و شناسایی زودهنگام فرصت‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت موفق بحران‌ها ایفا می‌کنند.

بگ و همکاران (۲۰۱۹)[1] در مروری بر ادبیات مدیریت ریسک سیل مبتنی بر جامعه، عوامل کلیدی مانند دانش محلی و ارتباطات موثر را به عنوان محرک‌های اصلی مشارکت داوطلبانه شهروندان برجسته کرده‌اند. مطالعه نشان می‌دهد که جوامعی با سابقه سیل‌های مکرر، تمایل بیشتری به داوطلب شدن در برنامه‌های هشدار زودرس و بازیابی دارند، اما کمبود منابع آموزشی این مشارکت را محدود می‌کند. نویسندگان تاکید دارند که ادغام سرمایه اجتماعی در مدل‌های سیل‌مدیریتی، نرخ موفقیت اقدامات داوطلبانه را به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد. پارکر و واینتال (۲۰۲۱)[2] در بررسی نقش دولت و سازمان‌های غیردولتی در مدیریت سیل مبتنی بر جامعه، عوامل نهادی و اجتماعی را شناسایی کرده‌اند که بر مشارکت داوطلبانه شهروندان تاثیرگذارند. نتایج نشان می‌دهد که اعتماد به نهادها و دسترسی به آموزش‌های عملی، مشارکت داوطلبانه را تا ۴۰ درصد تقویت می‌کند، در حالی که رویکردهای بالا به پایین باعث کاهش انگیزه شهروندان می‌شود. نویسندگان پیشنهاد می‌کنند که برنامه‌های مشارکتی با تمرکز بر رهبری محلی، می‌تواند تاب‌آوری جامعه در برابر سیل را افزایش دهد، به خصوص در مناطق شهری آسیب‌پذیر. دایی هان و همکاران (۲۰۲۲)[3] در بررسی عوامل کلیدی تعیین کننده تمایل به مشارکت در تصمیم گیری در پروژه های زیر ساختی شهری، به این نتیجه دست یافته اند که تضادهای ناشی از پروژه های زیر ساختی شهری، تهدیدات قابل توجهی برای پایداری شهرها به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاد می کند. شنیده شدن صدای شهروندان در تصمیم گیری در مورد پروژه ها در کاهش تضاد منافع بین شهروندان و مقامات دارای ارزش است. با این حال، مشارکت عمومی با دخللت بیش از حد دولت و تمایل پایین شهروندان مختل می شود. چان و همکاران (۲۰۲۲)[4] در مطالعه موردی مشارکت جامعه در مدیریت ریسک سیل در مالزی، عوامل اطلاعاتی و رهبری محلی را به عنوان عوامل کلیدی موثر بر مشارکت داوطلبانه شهروندان برجسته کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که

[1] Bag et al. (2019)
[2] Parker & Weintal (2021)
[3] Dai Han et al. (2022)
[4] Chan et al. (2022)

ارتباطات موثر و نقش رهبران جامعه، انگیزه داوطلبانه را در برنامه‌های کاهش سیل افزایش می‌دهد، به ویژه در جوامعی با سابقه سیل‌های مکرر. نویسندگان بر لزوم غلبه بر موانعی مانند کمبود آگاهی عمومی تاکید دارند و مدل‌های مشارکتی را برای کشورهای آسیایی پیشنهاد می‌کنند، که می‌تواند با شرایط سیلاب در ایران مقایسه شود. شیواکوتی و همکاران (۲۰۲۳)[5] در مطالعه‌ای بر روی مشارکت جامعه در کاهش سیل در نپال، عوامل اجتماعی-اقتصادی مانند سطح آموزش و دسترسی به اطلاعات را به عنوان عوامل اصلی موثر بر مشارکت داوطلبانه شهروندان معرفی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در مناطق جنوب جهانی (مانند آسیای جنوبی)، نقش سازمان‌های غیردولتی در تسهیل گفتگوهای محلی، تمایل داوطلبانه را افزایش می‌دهد، اما چالش‌هایی مانند کمبود بودجه و نابرابری جنسیتی مانع می‌شوند. واتکینز و کالینز (۲۰۲۴)[6]، در یک مرور سیستماتیک به بررسی رویکردهای مشارکت اجتماعی در حکمرانی ریسک سیلاب شهری پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برای دستیابی به تاب‌آوری اجتماعی-اکولوژیکی، باید از رویکردهای صرفاً مشارکت‌محور به سمت «شمولیت جامعه» حرکت کرد. این مطالعه تأکید می‌کند که مدیریت عدالت‌محور در سیلاب، نیازمند بازتعریف ساختارهای قدرت و تمرکز بر عدالت رویه‌ای و اجتماعی برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر است. سنتورک و همکاران (۲۰۲۶)[7]، با نقد رویکردهای تک‌بعدی و ناپایدار در مدیریت بحران، چارچوبی برای مشارکت فعال شهروندان ارائه دادند. یافته‌های این مطالعه بر ضرورت گذار از مدیریت سنتی به سمت مدل‌های «هم‌آفرینی سیاست‌ها» و «طراحی مشترک راهکارها» تأکید می‌کند تا از طریق حکمرانی چندمرکزی و مشارکت واقعی گروه‌های آسیب‌پذیر، تاب‌آوری در برابر بلایا به شکلی پایدار و جامعه‌محور تحقق یابد.

مرور مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که مشارکت داوطلبانه مردم یکی از ظرفیت‌های مهم در مدیریت مخاطرات طبیعی، به‌ویژه سیلاب، محسوب می‌شود و عواملی همچون اعتماد، آموزش و آگاهی، اطلاع‌رسانی، هماهنگی نهادی، دسترسی به منابع و تجهیزات و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند بر شکل‌گیری و اثربخشی آن تأثیرگذار باشند. بااین‌حال، بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی، یا مشارکت مردمی را در چارچوب کلی مدیریت بحران بررسی کرده‌اند و یا بر شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر تمرکز داشته‌اند؛ در نتیجه، چگونگی ارتباط میان این عوامل و فرایند تبدیل ظرفیت‌های داوطلبانه به مشارکت سازمان‌یافته و اثربخش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، اگرچه مطالعات خارجی ابعاد مختلف مشارکت جامعه در کاهش و مدیریت سیلاب را بررسی کرده‌اند، تفاوت در ساختارهای اجتماعی، نهادی و سازمانی، ضرورت توجه به ویژگی‌های بستر ایران و به‌ویژه سازوکارهای موجود در سازمان‌های امدادی را برجسته می‌سازد. بنابراین، خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان تبیین فرایندی و زمینه‌مند از نحوه جذب، سازماندهی و تقویت مشارکت داوطلبانه در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب است؛ به‌گونه‌ای که بتواند شرایط شکل‌گیری مشارکت، عوامل تقویت‌کننده یا تعدیل‌کننده، شرایط محیطی، راهبردهای مؤثر و پیامدهای آن را در قالب یک چارچوب منسجم به یکدیگر مرتبط سازد. این خلأ در بستر سازمان‌های امدادی و در شرایط خاص مناطق سیل‌خیز ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد داده‌بنیاد و با تمرکز بر سازمان هلال‌احمر یزد، درصدد است با اتکا به تجارب کنشگران دارای تجربه مستقیم در مدیریت سیلاب، الگویی زمینه‌مند برای تبیین عوامل و سازوکارهای جذب و تقویت مشارکت داوطلبانه در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب ارائه کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر ضمن پاسخ به خلأ موجود در زمینه تبیین روابط میان عوامل مؤثر بر مشارکت، می‌کوشد چارچوبی کاربردی برای سازماندهی و نهادینه‌سازی ظرفیت مشارکت داوطلبانه در مدیریت سیلاب فراهم آورد.

[5] Shiwakoti et al. (2023)
[6] Watkins & collins (2024)
[7] Senturk et, al (2026)

چارچوب مفهومی

مشارکت

مشـارکت به عنوان به‌کارگیری منابع شـخصـی (زمان، مهارت، سـرمایه اجتماعی) افراد در راسـتای تحقق یک اقدام جمعی تعریف می‌شـود. این اقدام، فرآیندی آگاهانه، داوطلبانه و جمعی اسـت که طیف وسـیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد؛ از دخالت شـهروندان در سـطوح تصـمیم‌گیری‌های اداری و سـیاسـی (مانند رأی‌گیری) تا مسـاعدت مسـتقیم در رفع نیازهای اجتماعی و تعامل با سـازمان‌هایی که بقای آن‌ها به مشـارکت وابسـته اسـت. این مفهوم فراتر از سـیاسـت‌گذاری رسـمی رفته و شـامل درگیری افراد در نهادهای مدنی، مذهبی و جنبش‌های اجتماعی اسـت که سـاختار حیات اجتماعی را شـکل می‌دهند، حتی اگر مسـتقیماً به توزیع قدرت رسمی یا اهداف اقتصادی نپردازند (نوروززاده، ۱۴۰۲).

اصل بنیادین زیربنایی مشارکت، پذیرش اصل برابری شهروندان است و هدف نهایی آن، دستیابی به همفکری، همکاری و تشریک مسـاعی برای ارتقاء کیفیت و کمیت زندگی در ابعاد اجتماعی، اقتصـادی و سـیاسـی اسـت. مشـارکت در این دیدگاه، یک فرایند کنشگرایانه است که از طریق آن، افراد نه تنها به دگرگونی محیطی دست می‌یابند، بلکه دگرگونی درونی خود را نیز پدید می‌آورند (Castells, 2023). توجه مجدد به ایده مشـارکت با ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید (مانند جنبش‌های شـبکه‌ای)، بازنگری در مفهوم نیازهای انسان و احیای مجدد ایده شهروندی فعال در عصر دیجیتال گره خورده است. از منظر دسته‌بندی، مشارکت به انواع سـیاسـی، اقتصـادی، اجتماعی و داوطلبانه تقسـیم می‌شـود؛ با این حال، به دلیل درهم‌تنیدگی، هم‌پوشـانی و ماهیت مکمل این ابعاد، تفکیک دقیق آن‌ها دشـوار اسـت و معمولاً یا به صـورت یک مفهوم کلی (جامع) مورد بحث قرار می‌گیرد یا در چارچوب‌های ترکیبی بررسی می‌شود (قیصری، ۱۳۹۸).

نظریه‌های مشارکت اجتماعی

یکی از مهم ترین عواملی که به تداوم حیات بشـر کمک کرده، همکاری و مشـارکت میان انسـان هاسـت. از منظر جامعه شـناسـی، مشـارکت به عنوان فرآیند تعاملی چند سـویه مطرح می شـود، که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سـیاسـی-اجتماعی نظام را در دسـتیابی به توسعه، همراه با عدالت اجتماعی در پی خواهد داشت. بنیادی ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم اسـت و هدف از آن هم فکری، همکاری و تشـریک مسـاعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه های اجتماعی اقتصادی و سیاسی است . مشارکت در فراگرد توانمندسازی افراد جامعه، بر سه ارزش بنیادی سهیم کردن مردم در قدرت راه دادن مردم به نظارت بر سـرنوشـت خویش و بازگشـودن فرصـت های پیشـرفت به روی مردم تأکید دارد ، مشـارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت اما توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال گذار ، تا حد بسیار زیادی پس از شکست راهکارها و برنامه های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که از غرب وارد این کشورها شده بود، متجلی گردید. در بررسی و ارزیابی این برنامه ها عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصـلی شـکسـت برنامه های توسـعه ارزیابی شـده اسـت. لذا از آن پس در اسـتراتژی های توسـعه بر رویکرد مشـارکت مردمی به عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی، ۱۳۹۳) مشارکت ُهای غیر رسمی با سابقه ای دیرینه و با وجود تحولات و دگرگونی های که طی صد سال اخیر پدید آمده هنوز هم در جامعه ایران مشهود می باشد و همواره در طول تاریخ بر مشارکت های رسمی و نهادمند در این سرزمین برتری داشته است. برگزاری مراسم مذهبی در ماه ها و ایام خاص، ساختن مساجد و حسینیه ها، کمک‌های متقابل در عروسی ها، جشن ها و سوگ ها و مشارکت های مردمی در قالب بنه و واره را میتوان به عنوان مصداق هایی از مشارکت غیر رسمی در جامعه ایران برشمرد. نگاهی به تجربه های مشارکتی در میان عشایر و روستاییان و حتی شهرهای ایران در گذشته، نشان می دهد که مشارکت افراد بیشتر در امور اقتصادی و به دلایلی چون جبر جغرافیای و شرایط زندگی بوده است. در عصر جدید، نخستین الگوهای مشارکت که با الهام از تحولات کشورهای اروپایی به خصوص فرانسه در ایران پیاده گردید، تأسیس مجلس شورای ملی بود. در ادامه این روند، انقلاب مشروطیت نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و همچنین ایجاد انجمن های بلدیه انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و برگزاری انتخابات از مصادیق مشارکت های

رسمی در جامعه ایران می باشد در زمان حاضر نیز با توجه به اینکه ایران در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، مشکلات ناشی از عدم مشارکت یا مشارکت محدود در عرصه های اجتماعی و سیاسی به عنوان یک مسئله اساسی و مهم بیش از پیش در زمینه های مختلف خودنمایی می کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی است که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. از آنجا که پژوهش به دنبال استخراج اطلاعات از طریق تعامل با افراد و درک نحوه تفسیر آن‌ها از موضوع است، فلسفه حاکم بر این پژوهش تفسیری می‌باشد. با توجه به اینکه روش کیفی، مبنای این پژوهش است، رویکرد پژوهش، استقرایی بوده و براساس روش داده بنیاد انجام خواهد شد. همچنین پژوهش اکتشافی بوده که افق زمانی آن تک مقطعی و شیوه گردآوری داده‌ها برمبنای مصاحبه‌های عمیق قرار دارد. در میان روش‌های کیفی و تفسیری، داده بنیاد مزایای منحصر به فردی برای پژوهشگران به همراه دارد. چراکه ظرفیت بالایی برای تفسیر پدیده‌های پیچیده داشته و به پژوهشگر آزادی عمل بیشتری برای بررسی حوزه مطالعه و ظهور مفاهیم می‌دهد. استفاده از روش‌های تحلیل کیفی و کدگذاری نظام‌مند در پژوهش‌های اخیر انجام‌شده در ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، در مطالعات اخیر، تحلیل مضمون برای شناسایی و تبیین مؤلفه‌های پدیده‌های سازمانی در بستر ایران به‌کار گرفته شده است (Meybodi et al., 2023; Taheri et al., 2024; Pourkhodabakhshi et al., 2025) این مطالعات نشان می‌دهند که تحلیل نظام‌مند داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته می‌تواند به شناسایی، دسته‌بندی و تبیین مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با پدیده مورد مطالعه در زمینه‌های سازمانی و مدیریتی ایران کمک کند. بر این اساس، در پژوهش حاضر نیز داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به‌صورت نظام‌مند کدگذاری و در مراحل متوالی از کدهای اولیه به کدهای تجمیع‌شده، محوری و انتخابی هدایت شد تا در نهایت الگوی مفهومی پژوهش شکل گیرد.

با توجه به هدف پژوهش که طراحی الگوی جذب مشارکت داوطلبانه مردمی در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب ها با رویکرد داده بنیاد می‌باشد، سؤالات پژوهش به شرح زیر تبیین شد:

سوال اصلی:

چارچوب عوامل موثر بر جذب مشارکت داوطلبانه مردمی جهت مقابله با سیلاب ها (مورد مطالعه: سازمان هلال احمر یزد) چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱. شرایط علی در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی در سازمان هلال احمر یزد چیست؟
۲. عوامل واسطه‌ای در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی در سازمان هلال احمر یزد چیست؟
۳. شرایط محیطی لازم در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی در سازمان هلال احمر یزد چیست؟
۴. راهبردهای موثر در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی در سازمان هلال احمر یزد چیست؟
۵. پیامدهای شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی در سازمان هلال احمر یزد چیست؟

جامعه مورد مطالعه پژوهش شامل کارشناسان، نجاتگران، مدیران و داوطلبان جمعیت هلال‌احمر استان یزد بود که تجربه مرتبط با مدیریت سیلاب، از جمله سیلاب‌های سال‌های اخیر(مانند سیلاب‌های اخیر ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰)، داشتند. با تمرکز بر افراد فعال در مناطق سیل‌خیز مانند یزد، مهریز و اردکان. جامعه بر اساس معیارهایی مانند سابقه حداقل ۲ سال فعالیت در امداد سیل، نقش‌های متنوع (مدیریتی، عملیاتی، آموزشی) و تنوع جنسیتی (۶۰٪ مرد، ۴۰٪ زن) تعریف شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و نظری انجام شد تا تنوع دیدگاه‌ها پوشش داده شود. مونه‌گیری در دو مرحله هدفمند و نظری انجام شد. در مرحله نخست، مشارکت‌کنندگان بر اساس برخورداری از تجربه مستقیم در مدیریت سیلاب و تنوع نقش‌های مدیریتی، عملیاتی، آموزشی و

داوطلبانه انتخاب شـدند. در ادامه، همزمان با انجام مصـاحبه‌ها و تحلیل اولیه داده‌ها، نمونه‌گیری نظری با هدف تکمیل و بررسـی مفاهیم و مقوله‌های در حال شـکل‌گیری دنبال شـد؛ به این معنا که انتخاب مشـارکت‌کنندگان بعدی با توجه به نیازهای مفهومی حاصـل از تحلیل مصـاحبه‌های پیشـین و برای بررسـی کفایت مقوله‌های در حال ظهور انجام گرفت. در مجموع ۱۲ نفر در پژوهش مشـارکت کردند که شـامل ۴ نفر مدیر و کارشـناس از حوزه‌های هلال‌احمر، لجسـتیک و آموزش، ۵ نفر نجاتگر عملیاتی و ۳ نفر مسـئول خلنه هلال و داوطلب محلی بودند. فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تا مرحله‌ای ادامه یافت که در مصـاحبه دهم، داده جدیدی که منجر به شـکل‌گیری ویژگی، بُعد یا رابطه مفهومی جدیدی در مقوله‌های اصـلی شـود، مشـاهده نشـد. با این حال، برای اطمینان از کفایت مفهومی و بررسـی مجدد مقوله‌های شـکل‌گرفته، دو مصـاحبه دیگر انجام شـد .تحلیل مصـاحبه‌های یازدهم و دوازدهم نیز به شـناسـایی ویژگی، بُعد یا رابطه مفهومی جدیدی منجر نشـد و عمدتاً یافته‌ها و روابط مفهومی شـناسـایی‌شـده در مصاحبه‌های پیشـین را تأیید و تکمیل کرد؛ ازاین‌رو، اشباع نظری در مصاحبه دهم حاصل و با دو مصاحبه نهایی تأیید شد. تحلیل این دو مصاحبه نیز به شناسایی ویژگی یا رابطه مفهومی جدیدی منجر نشد و صرفاً مضامین و روابط پیشین را تأیید و تکمیل کرد. بر این اساس، اشباع نظری در مصاحبه دهم حاصل و با دو مصاحبه نهایی تأیید شد. باید تأکید نمود که با توجه به ماهیت پژوهش و دسترسی به مشارکت‌کنندگان دارای تجربه مستقیم در مدیریت سیلاب، داده‌های پژوهش عمدتاً از دیدگاه مدیران، کارشناسان و نجاتگران جمعیت هلال‌احمر و همچنین تعدادی از داوطلبان و مسـئولان خانه‌های هلال گردآوری شـد. ازاین‌رو، الگوی ارائه‌شـده بیش از آنکه مدعی بازنمایی دیدگاه تمامی شهروندان باشد، ناظر بر شناسایی شرایط و سازوکارهای جذب و سازماندهی مشارکت داوطلبانه از منظر کنشگران و افراد درگیر در نظام مدیریت بحران است. بر این اساس، تعمیم نتایج به ادراک عمومی همه شهروندان باید با احتیاط صـورت گیرد و بررسـی دیدگاه شـهروندان دارای تجربه مسـتقیم سـیلاب، معتمدان محلی، سـازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلبانه می‌تواند در پژوهش‌های آتی به تکمیل مدل کمک کند.

جمع‌آوری اطلاعات از مردادماه ۱۴۰۳ آغاز و تقریباً تا پایان شـهریورماه همان سـال به طول انجامید. شـیوه اصـلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته عمیق بود. مصاحبه‌ها با شرکت‌کنندگان به صورت حضوری یا در مواردی (به دلیل مشغله افراد) به صورت تلفنی صورت گرفت. هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید، با میانگین ۴۸ دقیقه، و بر اساس پروتکل مصاحبه‌ای استاندارد پیش رفت. در ابتدای هر مصاحبه، اهداف پژوهش بیان شد و تاکید گردید که اطلاعات صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده خواهد شد و هویت شرکت‌کنندگان محرمانه باقی می‌ماند. رضایت کتبی یا ضمنی برای ضبط صوتی اخذ شد و ضبط‌ها بلافاصله رونویسی کلمه‌به‌کلمه گردیدند.

چارچوب مصاحبه بر اساس سؤالات باز طراحی شد تا تجربیات شرکت‌کنندگان به طور طبیعی بیان شود. شرکت‌کنندگان ابتدا خود را معرفی، جایگاه سـازمانی، سـوابق کاری در جمعیت هلال احمر، و سـابقه‌شـان در مدیریت بحران (مانند سـیلاب‌های اخیر یزد) را توصیف کردند. سپس، به سؤالات اصلی زیر پاسخ دادند:

۱- بر اساس تجربیات گذشته، مردم چه نوع مشارکت‌هایی در زمان وقوع سیلاب داشته‌اند؟ (در صورت امکان، نمونه‌ای عینی بیان فرمایید، مانند کمک‌های مردمی در سیل ۱۴۰۰ یزد).

۲- به نظر شما، کدام شکل از مشارکت مردمی (مالی، نیروی انسانی، تجهیزات، آموزش، اطلاع‌رسانی) مؤثرتر بوده است و دلیل آن چیست؟ (برای مثال، نقش داوطلبان در توزیع اقلام امدادی).

۳- چه عواملی موجب شـده اسـت که مردم در بحران‌ها مشـارکت فعال داشـته یا از مشـارکت خودداری نمایند؟ (در صـورت امکان، موانع یا تسهیل‌گرهای اصلی را توضیح دهید، مانند کمبود اعتماد به نهادها یا انگیزه‌های عاطفی).

۴- از دیدگاه شـما، چه عواملی بیشـترین نقش را در جذب مشـارکت مردمی جهت مقابله با سـیلاب ایفا می‌کنند؟ (به عنوان مثال، می‌توان به نقش اعتماد، آموزش، اطلاع‌رسانی یا حمایت‌های نهادی اشاره نمود).

این سؤالات بر اساس ادبیات اولیه (مانند مدل‌های مشارکت در مدیریت بلایا) تدوین شد و دو سؤال تکمیلی بر حسب پاسخ‌ها اضافه گردید تا عمق داده‌ها افزایش یابد. ابزارهای کمکی استفاده شده شامل یادداشت‌برداری حاشیه‌ای و بررسی اسناد ثانویه (گزارش‌های هلال احمر یزد) بودند.

برای افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌های پژوهش، از چند راهبرد مکمل استفاده شد. نخست، بازبینی توسط اعضا انجام گرفت؛ به این صورت که پس از هر مصاحبه، خلاصه‌ای از نکات و برداشت‌های کلیدی برای مشارکت‌کننده ارسال و نظر وی درباره صحت برداشت پژوهشگر دریافت شد. از میان ۱۲ مشارکت‌کننده، ۷ نفر خلاصه مصاحبه را تأیید کرده یا اصلاحات لازم را پیشنهاد کردند. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان توضیح مربوط به «کمبود تجهیزات سبک در محلات» را به «کمبود کفکش و موتورپمپ در مناطق حاشیه‌ای» اصلاح کرد که در افزایش دقت تفسیر داده‌ها مؤثر بود.

دوم، به‌منظور تقویت اعتبار یافته‌ها، از مثلث‌سازی منابع استفاده شد. بدین منظور، داده‌های حاصل از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان دارای نقش‌های متنوع، شامل مدیران و کارشناسان، نجاتگران عملیاتی و مسئولان خانه هلال و داوطلبان محلی، با اسناد رسمی جمعیت هلال‌احمر، از جمله گزارش‌های مرتبط با سیلاب، و همچنین مشاهدات میدانی از جلسات آموزشی مقایسه و بررسی شد.

سوم، برای افزایش قابلیت ردیابی و شفافیت فرایند تحلیل، مراحل کدگذاری و شکل‌گیری مدل به‌صورت مستند ثبت شد. چهارم، برای بررسی ثبات فرایند کدگذاری، ۳۰ کد باز پس از گذشت سه هفته توسط پژوهشگر مجدداً کدگذاری شد که میزان توافق درون‌کدگذار ۹۱ درصد به دست آمد. همچنین، استفاده از پروتکل مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، ضبط و پیاده‌سازی کلمه‌به‌کلمه مصاحبه‌ها و ثبت یادداشت‌های تحلیلی در طول فرایند پژوهش، به افزایش قابلیت اعتماد یافته‌ها کمک کرد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش، فرایند کدگذاری با استفاده از روش کدگذاری باز در وهله اول آغاز شد. فرایند کدگذاری داده‌ها به‌صورت دستی و با مطالعه و بررسی خط‌به‌خط متن مصاحبه‌ها انجام شد. به‌منظور سازماندهی داده‌ها و افزایش قابلیت ردیابی فرایند تحلیل، مراحل مختلف کدگذاری و ارتباط میان سطوح کدگذاری در یک فایل تحلیلی اکسل مستندسازی شد. این مرحله که اولین قدم از تجزیه و تحلیل نظری به سمت اکتشاف مقولات و ویژگی های آنان است با استفاده از در نظر گرفتن واحد کدگذاری جمله به جمله به انجام رسیدکه طی آن به توصیفی از داده ها دسترسی پیدا شد. با ظاهر شدن مفاهیم حاصل از کدگذاری خط به خط داده‌های پژوهش، نوبت به کدگذاری محوری رسید که با استفاده از آن مفاهیم به دست آمده در جریان کدگذاری باز، به زیرمقوله های مربوط به داده ها پیوند داده شدند و در ادامه زیر مقولات به مقولات عمده مرتبط شدند. در این فرایند، ۲۳۰ کد باز، ۳۲ کد تجمیع‌شده، ۱۵ کد محوری و ۹ کد انتخابی در فایل تحلیلی پژوهش ثبت و ارتباط آنها با مدل پارادایمی مستندسازی شد. در ادامه فرایند کدگذاری محوری، مقولات کلی حاصل از کدگذاری باز در قالب مدل پارادایمی تنظیم شدند. این مدل، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مرتبط با فرایند جذب و نهادینه‌سازی مشارکت داوطلبانه در مدیریت سیلاب را تبیین می‌کند. مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش به شرح زیر است:

جدول۱: مشخصات شرکت کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	سابقه مدیریت بحران	عنوان سازمانی در جمعیت
۱	مرد	۱۰ سال	معاون عملیات امداد و نجات جمعیت هلال احمر شهرستان یزد
۲	مرد	۱۲ سال	مسئول واحد امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر شهرستان یزد
۳	مرد	۷ سال	مسئول خانه هلال شهدای فهرج
۴	مرد	۲۶ سال	رئیس اداره لجستیک
۵	مرد	۸ سال	کارشناس مسئول حراست یزد
۶	مرد	۱۱ سال	مسئول هماهنگی عملیات امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان یزد

ردیف	جنسیت	سابقه مدیریت بحران	عنوان سازمانی در جمعیت
۷	مرد	۱۲ سال	رییس اداره آموزش همگانی هلال احمر یزد
۸	مرد	۱۸ سال	معاونت امداد و نجات استان یزد
۹	مرد	۹ سال	نجاتگر جمعیت و متولی روابط عمومی شهرستان یزد
۱۰	مرد	۸ سال	مسئول خانه هلال محمدآباد
۱۱	مرد	۹ سال	نجاتگر جمعیت
۱۲	مرد	۸ سال	کارشناس امداد و نجات یزد

در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها به‌صورت خط‌به‌خط بررسی و مفاهیم اولیه از داده‌های خام استخراج شد. با توجه به حجم بالای کدهای باز، ارائه تمامی کدها به‌صورت فهرست خام، ضمن افزایش حجم بخش یافته‌ها، ارتباط میان داده‌های اولیه و مفاهیم حاصل از تحلیل را به‌صورت کافی نشان نمی‌دهد. ازاین‌رو، به‌منظور افزایش شفافیت و قابلیت ردیابی فرایند تحلیل، نمونه‌هایی از داده‌های خام مصاحبه به همراه کد باز و کد تجمیع‌شده متناظر ارائه شده است. نمونه‌های انتخاب‌شده، ابعاد مختلف مشارکت داوطلبانه، از جمله مشارکت نیروی انسانی، استفاده از تجهیزات محلی، مشارکت در پیشگیری، نقش معتمدان و حمایت نهادی را پوشش می‌دهند.

شماره مصاحبه	نمونه نقل‌قول مستقیم از مصاحبه‌شونده	کد باز	کد تجمیع‌شده
۶	مردم به صورت خودجوش با ماشین‌هاشون وسایل مردم رو جابه‌جا می کردن... مردم اکثراً به صورت داوطلبانه میان توی کار تخلیه آب یا پاک‌سازی کوچه‌ها کمک می‌کردن..... .	جابه‌جایی وسایل با خودروهای شخصی؛ تخلیه آب؛ پاکسازی معابر	مشارکت نیروی انسانی محلی
۸	..... مردم محلی، به‌خصوص در محله‌هایی که ما آشنایی کامل با کوچه پس کوچه‌ها و راه‌های فرعی نداشتیم، نقش خیلی مهمی تو شناسایی سریع مناطق داشتن.	شناخت مسیرها و مناطق؛ شناسایی سریع مناطق آسیب‌دیده	نقش معتمدین محلی / مشارکت نیروی انسانی محلی
۱۲	جهت استحکام سد بالای شهر یزد، خاکریزی‌های زیادی باید انجام می شد که با اطلاع‌رسانی بخشداری و هماهنگی‌هایی که استانداری انجام داد از صنف رانندگان خیل عظیمی از تجهیزات جهت این کار اومدن..... .	مشارکت در خاکریزی؛ بسیج تجهیزات محلی؛ هماهنگی نهادی	استفاده از تجهیزات محلی / حضور و همکاری با نهادها
۱۲	.....بعد از فراخوانی هم که زده شده در فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها و شوراهای روستاها از مردم دعوت به همکاری اومد تا در فاز پیشگیری اقدامات انجام بشه... تو شهر یزد تعداد ۳۰۰۰ کیسه شنی آماده شد	فراخوان مردم برای پیشگیری؛ آماده‌سازی کیسه شنی؛ مشارکت قبل از بحران	مشارکت در پیشگیری / استفاده از تجهیزات محلی
۱۱	..... وقتی مردم و مسئولین کنار هم باشن، معجزه اتفاق می‌افته.	همکاری مردم و مسئولان؛ تعامل بین مردم و نیروهای امدادی	حضور و همکاری با نهادها
۱۱	.....ما باید اطلاعات درست و شفاف در اختیار مردم قرار بدیم تا ببینن که کمک‌هاشون درست و حسابی استفاده می‌شه..... .	ارائه اطلاعات شفاف؛ شفافیت در مصرف کمک‌ها	اطلاع‌رسانی سریع و به‌موقع / اعتماد و شفافیت مدیریت کمک‌ها

کدهای باز اولیه به شرح جدول (۲) می‌باشد.

جدول (۲): کدهای باز تجمیع شده

کد تجمیع‌شده	کدهای باز اولیه	شماره مصاحبه‌ها
اطلاع‌رسانی سریع و به‌موقع	اطلاع‌رسانی تلفنی، شبکه‌های اجتماعی، پیامک، گروه‌های مجازی، کمپین‌های اجتماعی، هشدار هواشناسی	۲، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲
مشارکت نیروی انسانی محلی	حضور مردم محلی، کمک داوطلبان، جابجایی وسایل، پاکسازی معابر، تخلیه آب	۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲
استفاده از تجهیزات محلی	کف‌کش، موتورپمپ، بیل، کلنگ، تراکتور، لودر، کیسه شن	۱، ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲
مشارکت مالی و کمک‌های نقدی	کمک‌های مالی، واریز به حساب‌های معتبر، جمع‌آوری نقدی	۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱، ۱۲
آموزش و آماده‌سازی قبل از بحران	آموزش عملی، کارگاه کوتاه‌مدت، دوره‌های خانه هلال، تمرین و شبیه‌سازی	۲، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲
حضور و همکاری با نهادها	همکاری با هلال احمر، بسیج، سپاه، شهرداری، آتش‌نشانی، نیروی انتظامی	۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲
اعتماد و شفافیت مدیریت کمک‌ها	گزارش عملکرد، اطمینان از توزیع، شفافیت هزینه‌ها، اطلاع‌رسانی دقیق	۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۲
همدلی و روحیه همکاری	حس مسئولیت، غیرت محلی، همبستگی، روحیه ایثارگری، شور و نشاط	۱، ۲، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱
هماهنگی و مدیریت مشارکت	ساماندهی کمک‌ها، هماهنگی نهادها، حضور هماهنگ داوطلبان	۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۲
اطلاع‌رسانی و تبلیغات هدفمند	کمپین‌ها، پیام واحد، تبلیغات محلی	۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹
آموزش استفاده از تجهیزات	نحوه استفاده از کف‌کش، موتورپمپ، بیل، کیسه شن، اقدامات ایمن	۲، ۴، ۵، ۷، ۱۲
مشارکت خودجوش مردمی	اقدام قبل از رسیدن نهادها، کمک فوری به همسایه‌ها	۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۱۲
جمع‌آوری و توزیع کمک‌ها	جمع‌آوری اقلام در مساجد، حسینیه‌ها، پایگاه بسیج	۳، ۴، ۸، ۹، ۱۱
طبخ و توزیع غذا	پخت غذا توسط زنان، کسبه، هیئت‌های مذهبی	۳، ۴، ۸، ۱۲
اسکان موقت	استفاده از منازل، حسینیه‌ها، مساجد، سوله‌ها، مدارس	۶، ۱۰، ۱۲
مشارکت در پیشگیری	خاکریزی، سدسازی، آماده‌سازی کیسه شنی، قطع انشعابات	۴، ۵، ۱۲
کاهش خسارات و سرعت عمل	اقدامات سریع برای جلوگیری از ورود آب، جابجایی سریع وسایل	۱، ۲، ۵، ۱۰، ۱۲
انگیزه داوطلبان	قدردانی، نمایش تأثیر کمک‌ها، احترام به امدادگران	۷، ۱۱
نقش معتمدین محلی	ریش‌سفیدان، معتمدین محله در هدایت کمک‌ها	۸، ۱۱
حمایت روانی و اجتماعی	پناه دادن به آسیب‌دیدگان، تقویت روحیه، حمایت روانی تخصصی	۸، ۱۲
تجربه‌های قبلی	سیل‌های گذشته، انتقال تجربه برای پیشگیری	۱۰، ۱۱
ترس و عوامل بازدارنده	ترس از برق‌گرفتگی، ریزش دیوار، آسیب به خود	۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸
مشکلات اقتصادی	فشار مالی، محدودیت منابع	۴، ۵
بی‌اعتمادی به نهادها	تبلیغات منفی، عدم اطمینان به مدیریت کمک‌ها	۲، ۳، ۶، ۹، ۱۱
اطلاع‌رسانی محلی	مسیرهای فرعی، قنات‌ها، شناسایی مناطق خطر	۸، ۹، ۱۰
مشارکت داوطلبان آموزش‌دیده	داوطلبان آموزش دیده، آموزش عملی	۷، ۱۲
صرفه‌جویی در منابع	زمان و نیروی انسانی با آموزش	۷
اطلاع‌رسانی همزمان و قابل اعتماد	پیام واحد از نهادهای مختلف	۵
مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح	مدیر باتجربه، نقشه راه، برنامه‌ریزی به‌موقع	۴، ۶، ۱۲
فرهنگ نوع‌دوستی و دینی	فرهنگ کمک‌رسانی، تعالیم دینی، حس مسئولیت	۸، ۱۱، ۱۲
آموزش برای آمادگی داوطلبان	آموزش قبل از بحران، تمرین عملی داوطلبان	۸، ۱۲

کدگذاری محوری نیز به شرح جدول (۳) صورت گرفت.

جدول (۳): کدگذاری محوری

ردیف	کد محوری	کدهای باز منجر شده (با شماره مصاحبه)
۱	مشارکت نیروی انسانی محلی	مشارکت خودجوش مردمی (۳,۶,۸,۱۲)، حضور فیزیکی در محل بحران (۱,۲,۴,۵,۱۰,۱۱)
۲	مشارکت داوطلبان آموزش‌دیده	افرادی که آموزش دیده بودند مشارکت مؤثر داشتند (۳,۴,۷,۸,۱۱)، آموزش عملی قبل از بحران (۷,۱۲)
۳	مشارکت مالی و اقتصادی	جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی (۴,۵,۶,۹,۱۱,۱۲)، واریز کمک مالی (۴)، خرید تجهیزات فوری (۱۲)
۴	استفاده از تجهیزات سبک	کف‌کش، موتورپمپ، بیل، کیسه شن (۱,۲,۴,۵,۶,۱۰,۱۲)
۵	استفاده از تجهیزات سنگین	تراکتور، لودر، کمپرسی (۱۰,۱۲,۵)
۶	اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی	تماس تلفنی، شبکه‌های اجتماعی، کمپین‌ها، هشدارها، بلندگوهای مسجد (۱,۲,۳,۴,۵,۸,۹,۱۰,۱۱,۱۲)
۷	آموزش و توانمندسازی	آموزش کوتاه‌مدت، کارگاه‌های عملی، تمرین‌ها (۲,۳,۴,۷,۸,۱۰,۱۱,۱۲)
۸	هماهنگی نهادی و مدیریت بحران	حضور هلال احمر، بسیج، سپاه، شهرداری، فرمانداری، نقشه راه و برنامه‌ریزی (۱,۲,۳,۴,۵,۶,۸,۱۲)
۹	اعتماد و شفافیت	اعتماد به مدیریت کمک‌ها، شفافیت توزیع، اطلاع‌رسانی قابل اعتماد (۱,۲,۳,۴,۵,۶,۸,۱۲)
۱۰	حمایت اجتماعی و روانی	حمایت عاطفی و اجتماعی، تقویت روحیه، نشاط و سلامت روان داوطلبان و آسیب‌دیدگان (۷,۸,۱۱,۱۲)
۱۱	اسکان و تغذیه اضطراری	اسکان موقت در منازل، مساجد، سوله‌ها، مدارس؛ پخت غذا توسط مردم یا هیئت‌ها (۳,۴,۶,۸,۱۰,۱۲)
۱۲	مشارکت در پیشگیری	خاکریزی، کیسه شنی، انسداد مسیر آب، قطع انشعابات خطرناک (۱,۲,۴,۵,۱۲)
۱۳	کاهش خسارات و ایمنی	قطع برق، ایمن‌سازی خانه‌ها، حفاظت از اموال، کاهش خطر برق‌گرفتگی (۱,۲,۵,۶)
۱۴	تجربه و یادگیری از بحران‌های گذشته	انتقال تجربه، آموزش پیشگیری، استفاده از تجربه سیل‌های گذشته (۷,۱۰,۱۱)
۱۵	عوامل انگیزشی و فرهنگ همدلی	حس مسئولیت، همدلی، نوع‌دوستی، قدردانی، انگیزه‌های کوچک (۱,۲,۳,۶,۷,۸,۹,۱۱,۱۲)

در مرحله کدگذاری انتخابی، کدهای محوری بر اساس شباهت مفهومی، کارکرد مشترک و ارتباط آنها با پدیده مرکزی پژوهش با یکدیگر مقایسه و در قالب مقوله‌های انتزاعی‌تر ادغام شدند. در این مرحله، هدف صرفاً تجمیع اسمی کدهای محوری نبود، بلکه تلاش شد روابط مفهومی میان آنها و نقش مشترکشان در شکل‌گیری و تقویت مشارکت داوطلبانه شناسایی شود. بر این اساس، کدهای محوری مرتبط با ایجاد اعتماد و اطمینان، جریان اطلاعات و شفافیت در مدیریت کمک‌ها در یک مقوله انتخابی قرار گرفتند؛ کدهای مرتبط با آموزش، تمرین و آمادگی داوطلبان در قالب «آمادگی و آموزش داوطلبان» ادغام شدند؛ کدهای ناظر بر حضور و پشتیبانی سازمان‌ها، سازماندهی داوطلبان و ایجاد زیرساخت‌های محلی در قالب «حمایت و هماهنگی نهادی» قرار گرفتند. همچنین، کدهای محوری مرتبط با همدلی، نوع‌دوستی و احساس مسئولیت اجتماعی در قالب «فرهنگ همدلی و نوع‌دوستی اجتماعی» و کدهای ناظر بر حضور نیروی انسانی، بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات موجود و اقدام میدانی مردم در قالب «مشارکت نیروی انسانی و تجهیزات محلی» ترکیب شدند. بنابراین، کدهای انتخابی حاصل یک فرایند انتزاع مفهومی از کدهای محوری بوده و بیانگر مضامین جامع‌تری هستند که بخش‌های مختلف الگوی مشارکت داوطلبانه را به یکدیگر پیوند می‌دهند. کدگذاری انتخابی صورت گرفته در جدول (۴) قابل مشاهده می‌باشد.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

جدول (۴): کدگذاری انتخابی

کد انتخابی	کدهای محوری مرتبط	توضیح و چگونگی رسیدن به کد انتخابی
اعتماد و شفافیت مدیریت کمک‌ها	اعتماد اجتماعی؛ شفافیت در توزیع کمک‌ها؛ اطلاع‌رسانی دقیق و هدفمند	از کدهای باز متعدد درباره شفافیت، اعتماد به سازمان‌ها و اطلاع‌رسانی به مردم (مثلاً مصاحبه‌های ۱،۴،۱۲) نتیجه گرفته شد که اعتماد و شفافیت مدیریت کمک‌ها عامل اصلی انگیزش مشارکت است.
آمادگی و آموزش داوطلبان	آموزش عملی قبل از بحران؛ آموزش کوتاه‌مدت کاربردی؛ تمرین و دوره‌های آموزشی در خانه هلال	کدهای باز مربوط به آموزش و کارگاه‌های عملی (۳،۵،۷،۱۱) نشان دادند که آموزش مؤثر باعث افزایش سرعت و اثربخشی مشارکت می‌شود.
حمایت و هماهنگی نهادی	حمایت شهرداری، هلال احمر و نهادها؛ سازماندهی و هماهنگی داوطلبان؛ ایجاد پایگاه‌های محلی	از کدهای باز مرتبط با حضور نهادها، هماهنگی و مدیریت بحران (۴،۶،۸،۱۲) به این کد انتخابی رسیدیم که بدون حمایت نهادی مشارکت عملی دشوار است.
فرهنگ همدلی و نوع‌دوستی اجتماعی	روحیه ایثارگری؛ همدلی محلی؛ انگیزه یادگیری و کمک به همسایگان	کدهای باز متعدد درباره همدلی، نوع‌دوستی و احساس مسئولیت محلی (۱،۶،۷،۱۱) نشان دادند که فرهنگ اجتماعی یک محرک قوی برای مشارکت است.
مشارکت نیروی انسانی و تجهیزات محلی	حضور فیزیکی مردم؛ استفاده از تجهیزات ساده و سنگین؛ هماهنگی مردم قبل از ورود نهادها	کدهای باز از مصاحبه‌های ۵،۱۰،۱۲ مشخص کردند که مشارکت عملی مردم با نیروی انسانی و ابزار موجود نقش کلیدی در کاهش خسارت دارد.
اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی محلی	اطلاع‌رسانی از مسجد، شبکه‌های اجتماعی؛ هشداردهی و آگاهی محلی؛ کمپین‌های مردمی	از کدهای باز مصاحبه‌های ۱،۴،۹،۱۰ نتیجه شد که اطلاع‌رسانی سریع و شبکه‌سازی مردمی سرعت و اثر مشارکت را زیاد می‌کند.
قدردانی و انگیزه‌بخشی داوطلبان	تشکر و نمایش اثر کمک‌ها؛ قدردانی از مشارکت مردم؛ نمایش نتایج مشارکت	کدهای باز مصاحبه‌های ۷ و ۱۱ نشان داد که قدردانی و مشاهده تأثیر کمک‌ها، انگیزه مشارکت داوطلبان را افزایش می‌دهد.
تسهیل بازسازی و بازگرداندن شرایط عادی	مشارکت در بازسازی؛ تأمین نیازهای اولیه؛ مدیریت بحران محلی	کدهای باز مصاحبه‌های ۸،۹،۱۲ نشان داد مشارکت مردمی علاوه بر امدادرسانی، بازسازی و بازگشت به شرایط عادی را سرعت می‌بخشد.

براســاس جدول (۴)، در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها بر اســاس میزان ارتباط مفهومی، قدرت تبیین و قابلیت برقراری ارتباط میان شـرایط، راهبردها و پیامدهای پدیده مورد مطالعه بررسـی و یکپارچه شـدند. در این مرحله، «نهادینه‌سـازی مشـارکت داوطلبانه در مدیریت سـیلاب» به‌عنوان مقوله هسـته‌ای انتخاب شـد؛ زیرا این مقوله بیش از آنکه صـرفاً نام پدیده مورد مطالعه باشـد، فرایند مرکزی حاکم بر مجموعه داده‌ها را تبیین می‌کند. بر اساس یافته‌ها، شکل‌گیری مشارکت اثربخش زمانی امکان‌پذیر است که اعتماد و شفافیت، آموزش و توانمندسازی، حمایت و هماهنگی نهادی و سازماندهی داوطلبان در کنار یکدیگر قرار گرفته و مشارکت از یک واکنش مقطعی در زمان وقوع سـیلاب به ظرفیتی آماده، سـازمان‌یافته و قابل اتکا تبدیل شـود. از این منظر، شـرایط علی و زمینه‌ای، سازوکارها و راهبردهای شناسایی‌شده در مدل، در نهایت حول فرایند نهادینه‌سازی مشارکت داوطلبانه سازمان می‌یابند و پیامدهای آن نیز در قالب افزایش آمادگی، سـرعت و اثربخشـی مشـارکت در مدیریت سـیلاب قابل تبیین اسـت.در جدول (۵)، شـرایط علی، عوامل واسـطه‌ای، شـرایط محیطی، راهبردهای مؤثر و پیامدهای مرتبط با جذب مشـارکت داوطلبانه مردمی در مراحل پیشـگیری و مقابله با سیلاب ها قابل بررسی می‌باشد.

در تفکیک مقولات مدل پارادایمی، ملاک طبقه‌بندی صـرفاً تشـابه واژگانی مفاهیم نبوده اسـت، بلکه «نقش و کارکرد مفهومی» هر مقوله در فرایند شـــکل‌گیری مشـــارکت مورد توجه قرار گرفته اســـت. بر این اســـاس، تکرار برخی مفاهیم مانند اعتماد، آموزش و اطلاع‌رسـانی در بخش‌های مختلف مدل به معنای تکرار یک مقوله واحد نیسـت، بلکه بیانگر ظهور یک مفهوم در سـطوح و نقش‌های

متفاوت فرایند است. در این چارچوب، شرایط علی به عواملی اشاره دارد که زمینه اولیه شکل‌گیری مشارکت را ایجاد می‌کنند؛ شرایط واسطه‌ای به عواملی مربوط است که شدت، جهت یا نحوه اثرگذاری شرایط علی بر مشارکت را تقویت یا تعدیل می‌کنند؛ و راهبردها شامل اقدامات و مداخلات آگاهانه‌ای هستند که برای فعال‌سازی، تسهیل و تقویت مشارکت به کار گرفته می‌شوند. برای مثال، اعتماد به سازمان و مدیریت صحیح کمک‌ها در سطح شرایط علی، بیانگر پیش‌شرط اعتماد برای شکل‌گیری مشارکت است؛ اعتماد اجتماعی و نقش چهره‌های مورد اعتماد در سطح واسطه‌ای، سازوکاری است که می‌تواند اثر این اعتماد اولیه را تقویت یا تعدیل کند؛ و ایجاد اعتماد از طریق شفافیت، گزارش‌دهی و نمایش اثر کمک‌ها در سطح راهبردی، به اقدام مدیریتی برای تقویت مشارکت اشاره دارد. همین منطق در مورد آموزش و اطلاع‌رسانی نیز به کار گرفته شده است؛ به‌گونه‌ای که آموزش و آمادگی قبلی در سطح شرایط علی، آموزش کوتاه‌مدت و کاربردی در سطح واسطه‌ای و آموزش مستمر در سطح راهبردی قرار گرفته است. بنابراین، هم‌پوشانی واژگانی میان برخی مفاهیم، ناشی از حضور یک مفهوم در نقش‌های متفاوت فرایند است و نه ناشی از تکرار یا طبقه‌بندی مجدد یکسان آنها.

جدول (۵): عناصر مربوط به مدل پارادایمی داده بنیاد

سؤال پژوهش	کدهای باز و محوری مرتبط	مثال‌های مصاحبه (شماره)	تحلیل و توضیح
شرایط علی در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه مردمی	اعتماد و شفافیت؛ آموزش و آمادگی؛ حضور نیروی انسانی محلی و تجهیزات؛ فرهنگ همدلی و نوع‌دوستی	اعتماد به کمپین سیل مهربانی (۴،۱۲)؛ آموزش‌های خانه هلال (۳،۷،۱۰)؛ استفاده از کف‌کش و موتورپمپ (۵)؛ کمک به همسایگان و پاکسازی مسیرها (۱،۶،۸)	شرایط علی شامل عواملی است که به طور مستقیم موجب شکل‌گیری مشارکت می‌شوند؛ وقتی مردم مطمئن باشند کمک‌ها درست مدیریت می‌شود، آموزش دیده باشند، منابع و تجهیزات محلی در دسترس باشد و فرهنگ همدلی غالب باشد، مشارکت داوطلبانه فعال می‌شود.
عوامل واسطه‌ای در شکل‌گیری مشارکت	اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی؛ سازماندهی و هماهنگی نهادی؛ آموزش کوتاه‌مدت کاربردی؛ اعتماد اجتماعی و حضور معتمدین	اطلاع‌رسانی از طریق گروه‌های خانه هلال (۹،۱۰)؛ هماهنگی بین بسیج، سپاه، هلال احمر (۱۲،۶)؛ کارگاه‌های ۳۰ دقیقه‌ای (۵)؛ نقش معتمدین محله (۸،۱۱)	این عوامل اثر شرایط علی را تقویت یا تعدیل می‌کنند؛ اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی، هماهنگی سازمانی، آموزش کاربردی و اعتماد به چهره‌های مورد اعتماد موجب افزایش اثربخشی مشارکت داوطلبانه می‌شوند.
شرایط محیطی لازم	دسترسی به منابع و تجهیزات؛ حمایت نهادی؛ اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع؛ امنیت و ایمنی محیط	کف‌کش، موتورپمپ، تراکتور، لودر، سوله، مساجد (۱۰،۱۲)؛ پشتیبانی شهرداری و فرمانداری (۴،۱۲)؛ اطلاع‌رسانی از مسجد و شبکه‌های اجتماعی (۱،۹)؛ قطع برق و مسیرهای خطرناک (۴،۵)	این شرایط محیطی لازم‌اند تا مشارکت عملی شود؛ بدون دسترسی به تجهیزات و حمایت نهادی، حتی داوطلبان با انگیزه نیز نمی‌توانند مشارکت مؤثر داشته باشند؛ ایمنی محیط از دیگر شروط حیاتی است.
راهبردهای مؤثر	آموزش مستمر داوطلبان؛ اعتماد و شفافیت مدیریت کمک‌ها؛ اطلاع‌رسانی هدفمند و هماهنگ؛ قدردانی و انگیزه‌بخشی؛ تقویت فرهنگ نوع‌دوستی و همدلی اجتماعی	آموزش نحوه راه‌اندازی پمپ‌ها و تجهیزات (۷)؛ گزارش هزینه‌کرد کمک‌ها (۱۲)؛ اطلاع‌رسانی همزمان خانه هلال و بسیج (۵،۸)؛ تشکر و نمایش تأثیر کمک‌ها (۷،۱۱)؛ اسکان موقت و کمک به همسایگان (۶،۸)	راهبردها شامل اقدامات عملی و مدیریتی هستند که شکل‌گیری مشارکت را تسهیل و تقویت می‌کنند؛ آموزش، اعتماد، اطلاع‌رسانی، انگیزه‌بخشی و فرهنگ همدلی باهم مشارکت مؤثر را به وجود می‌آورند.

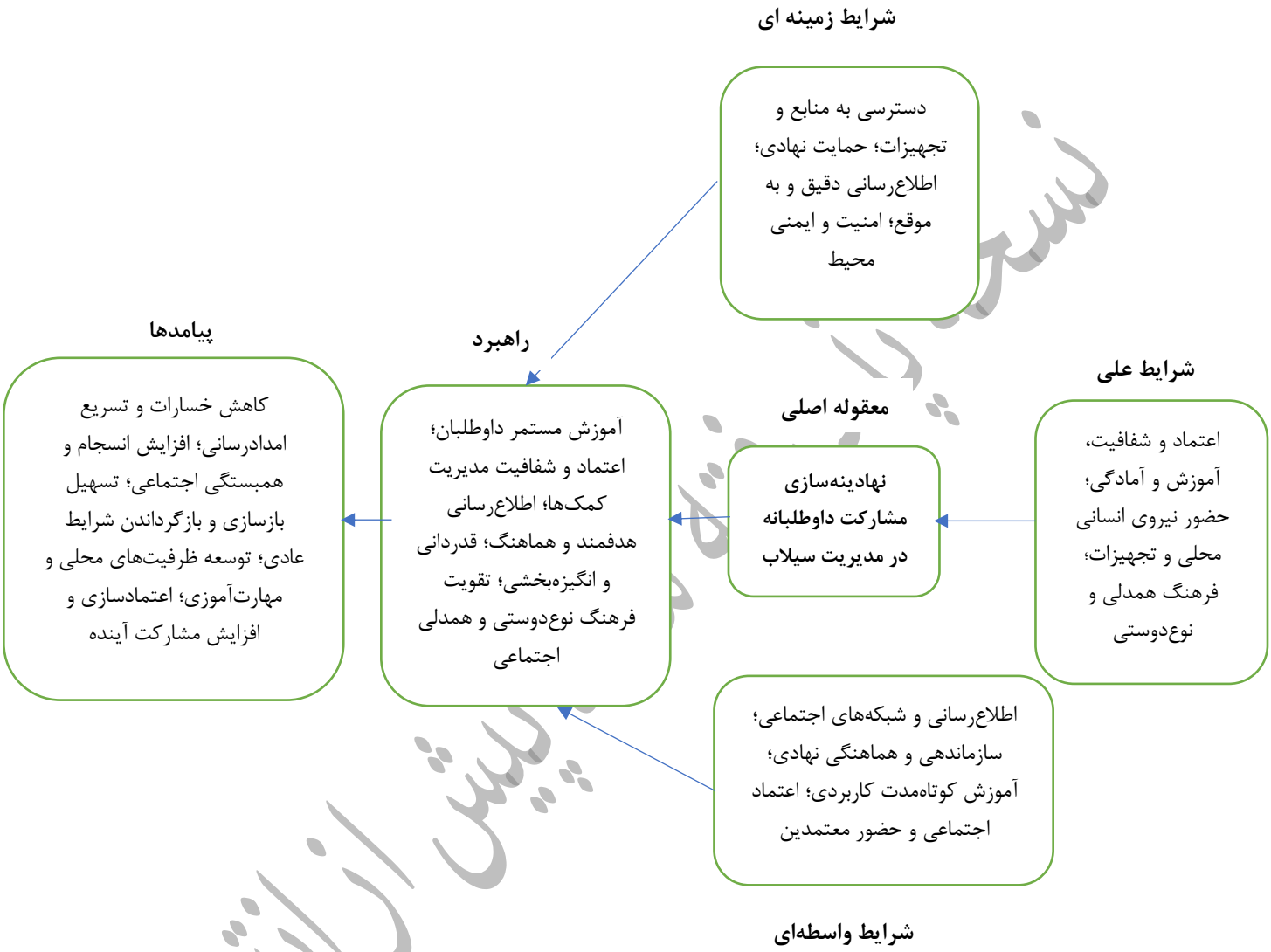
نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

سؤال پژوهش	کدهای باز و محوری مرتبط	مثال‌های مصاحبه (شماره)	تحلیل و توضیح
پیامدهای شکل‌گیری مشارکت	کاهش خسارات و تسریع امدادرسانی؛ افزایش انسجام و همبستگی اجتماعی؛ تسهیل بازسازی و بازگرداندن شرایط عادی؛ توسعه ظرفیت‌های محلی و مهارت‌آموزی؛ اعتمادسازی و افزایش مشارکت آینده	تخلیه آب سریع‌تر و جلوگیری از ورود سیل به منازل (۵،۱۰)؛ شور و نشاط اجتماعی و روحیه ایثارگری (۷،۹)؛ مشارکت در بازسازی اولیه و توزیع کمک‌ها (۸،۹)؛ آموزش خانه هلال و آماده‌سازی پایگاه‌های محلی (۳،۱۱)؛ اعتماد به مدیریت کمک‌ها و کمپین‌ها (۴،۱۲)	پیامدها نشان می‌دهند که مشارکت داوطلبانه علاوه بر کاهش خسارت، انسجام اجتماعی را تقویت کرده، بازسازی را تسهیل می‌کند و ظرفیت‌ها و اعتماد محلی برای بحران‌های آینده را ارتقا می‌دهد.

لازم به ذکر است که شرایط علی بیانگر پیش‌شرط‌ها و عوامل اولیه‌ای هستند که زمینه شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه را فراهم می‌کنند. در این سطح، اعتماد به سازمان و مدیریت کمک‌ها، برخورداری از آموزش و آمادگی قبلی، وجود ظرفیت نیروی انسانی و تجهیزات محلی و فرهنگ همدلی و نوع‌دوستی، ظرفیت اولیه لازم برای شکل‌گیری مشارکت را ایجاد می‌کنند. عوامل واسطه‌ای مستقیماً جایگزین شرایط علی نمی‌شوند، بلکه نحوه و شدت اثرگذاری آنها بر مشارکت را تقویت یا تعدیل می‌کنند. برای نمونه، اعتماد اجتماعی و حضور افراد مورد اعتماد، آموزش کوتاه‌مدت و کاربردی، اطلاع‌رسانی و شبکه‌های اجتماعی و هماهنگی میان نهادها می‌توانند شرایط اولیه را به مشارکت مؤثرتر تبدیل کنند. بنابراین، نقش این عوامل در مدل، نقش «سازوکار تقویت یا تعدیل اثر» است. راهبردهای مؤثر به اقدامات مدیریتی و عملیاتی اشاره دارند که برای فعال‌سازی و تقویت مشارکت طراحی و اجرا می‌شوند. ازاین‌رو، آموزش مستمر داوطلبان، اطلاع‌رسانی هدفمند و هماهنگ، ایجاد شفافیت در مدیریت کمک‌ها، قدردانی و انگیزه‌بخشی و تقویت فرهنگ نوع‌دوستی، در این سطح به‌عنوان اقدامات قابل مداخله و مدیریتی در نظر گرفته شده‌اند. بنابراین، تفاوت راهبرد با شرایط علی و واسطه‌ای در «ماهیت اقدام‌محور و مداخله‌ای» آن است.

در شکل (۱) مدل پارادایمی عوامل مؤثر بر جذب مشارکت داوطلبانه مردمی در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب های استان یزد، قابل مشاهده می‌باشد.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار



شکل (۱): الگوی پارادایمی داده بنیاد مشارکت داوطلبانه شهروندان در بحران سیل یزد

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتکا به روش داده بنیاد و با هدف واکاوی عمیق تجارب زیسته فعالان عرصه مشارکت مردمی در سیلاب، به این نتیجه رسید که مشارکت موفق، یک پدیده چندبعدی و نظام‌مند است که در بستر تعامل سه‌گانه اعتماد، توانمندی و سازماندهی معنا می‌یابد. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت مردمی را نمی‌توان صرفاً به عنوان یک منبع کمکی در لحظه بحران انگاشت، بلکه باید آن را به عنوان یک سرمایه اجتماعی راهبردی در نظر گرفت که نیازمند سرمایه‌گذاری، پرورش و نهادینه‌سازی مستمر در دوران عادی است. رویکرد رایج که صرفاً در مواجهه با بحران به فکر جلب مشارکت می‌افتد، از درک این واقعیت غافل است که

مشـــارکت پایدار، ریشـــه در اعتمادی دارد که در طول زمان ســـاخته می‌شـــود، با آموزش‌های مکرر تقویت می‌گردد و در چارچوب ســـاختارهای منعطف هدایت می‌شـــود. بنابراین، پیشـــنهاد محوری این تحقیق، تغییر نگرش از رویکرد واکنشـــی و ســـازمان‌محور به مدیریت بحران، به مدیریت تاب‌آوری جامعه‌محور است.

با عنایت بر مدل پارادایمی مستخرج از پژوهش می‌توان اذعان داشت که مشارکت مردمی در سیلاب، صرفاً مشارکت مالی نبوده و اشکال متنوع و عملیاتی دارد که شامل مشارکت نیروی انسانی و تجهیزات محلی (این شکل از مشارکت در مدل حاضر، هم به عنوان یک راهبرد مؤثر و هم به عنوان یک شرط علی در نظر گرفته شده است. نمونه عینی آن در سیل یزد، استفاده از لودرهای شخصی و کف‌کش بود)، مشارکت از طریق اماکن عمومی (این مورد در چارچوب این تحقیق، بخشی از شرط محیطی «دسترسی به منابع و تجهیزات» محسوب می‌شود که باعث می شود تا مشارکت عملی شکل بگیرد)، مشارکت اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی (این نوع مشارکت در یافته‌ها هم به عنوان یک راهبرد مستقل و هم به عنوان یک عامل واسطه‌ای تقویت‌کننده (اطلاع‌رسانی سریع) نقش ایفا می‌کند) می‌باشد. یافته‌های حاضر با نتایج پژوهش‌هایی صنعت‌خواه (۱۴۰۳) و نوحه گر و همکاران (۱۳۹۸) که بر نقش «سرمایه اجتماعی» تأکید داشتند، همسو است. در پژوهش حاضر مؤثرترین شکل، «مشارکت نیروی انسانی آموزش‌دیده همراه با تجهیزات محلی» تشخیص داده شد. دلیل این اثربخشی، سه ویژگی کلیدی این نوع مشارکت است:

- سرعت عمل: مردم محلی نخستین پاسخ‌دهندگان هستند و می‌توانند در «دقایق طلایی» اولیه بحران مداخله کنند.
- کاهش مستقیم خسارت: این، یک پیامد مستقیم است. اقداماتی مانند تخلیه آب با کف‌کش یا مسیرسازی با لودر، بلافاصله از گسترش خسارت جلوگیری می‌کند.
- پر کردن شکاف زمانی: پیش از رسیدن نیروهای امدادی، این مشارکت، به دلیل ماهیت آن به عنوان یک راهبرد خودجوش و مستقل از نهادها، این مشارکت، شکاف زمانی بحران را پر می‌کند

دیدگاه تولی[8](۲۰۱۷) در مورد مشارکت محلی به عنوان کلید «تاب‌آوری»، با پیامد «توسعه ظرفیت‌های محلی» در مدل حاضر همسو است. به عبارتی، آنچه تولی یک ویژگی کلی سیستم می‌داند، در این تحقیق به عنوان یک پیامد مشخص از اجرای راهبرد مشارکت عملیاتی استخراج شده است.

همچنین یافته‌ها حاکی از این بود که عوامل مؤثر بر مشارکت در دو دسته تسهیل‌گر و بازدارنده شناسایی می‌شوند. همچنین عواملی همچون (اعتماد و شفافیت،فرهنگ همدلی،آموزش،حمایت نهادی) به عنوان عوامل محرک هستند. مهم‌ترین عامل تسهیل‌گر، وجود اعتماد عمومی به شفافیت و کارایی فرآیند مدیریت کمک‌ها است. پس از آن، حس همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، کسب آموزش‌های کاربردی پیشین، و احساس پشتیبانی نهادی، به عنوان انگیزه‌های اصلی مشارکت فعال ظاهر شدند. در مقابل، بی‌اعتمادی ناشی از عدم شفافیت به عنوان قوی‌ترین مانع، و نبود هماهنگی و سازماندهی مؤثر بین نهادهای متولی به عنوان عامل مهم بعدی در کاهش یا سردرگمی مشارکت مردمی شناسایی شدند.

این یافته، اهمیت سرمایه اجتماعی و اعتماد را که در نظریات کلاسیک مانند (Putnam, 2002) و نیز پژوهش‌های داخلی (یزدانی، عادلیان راسی، پروین، ۱۴۰۴، عشایری و میرزاپور، ۱۴۰۵) بر آن تأکید شده است، تأیید می‌کند. اما تحلیل حاضر نشان می‌دهد که اعتماد، تنها یک شرط لازم است و شرط کافی برای مشارکت مؤثر، تلفیق این اعتماد با توانمندسازی عملی (آموزش) و بستر سازمانی مناسب است. به عبارت دیگر، بی‌اعتمادی می‌تواند به تنهایی مشارکت را متوقف کند، اما وجود اعتماد، بدون دو رکن دیگر، به مشارکت بهینه منجر نمی‌شود. علاوه بر این، تحلیل داده‌ها نشان داد که جذب موفق مشارکت، محصول تعامل سه عامل کلیدی به هم پیوسته است که مانند یک چرخه تقویت‌کننده عمل می‌کنند:

- اعتماد و شفافیت به عنوان بستر روانی-اجتماعی. این عامل شرط بنیادین برای ایجاد تمایل اولیه به مشارکت می باشد.
- آموزش عملی و کاربردی به عنوان عامل توانمندساز. این عامل انگیزه را به عمل مؤثر و ایمن تبدیل می کند.

[8] Tolley

- سازماندهی و هماهنگی نهادی به عنوان بستر ساختاری. این عامل هدایت و بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های مردمی و جلوگیری از هرج و مرج رل بر عهده دارد.

مقایسه ساختاریافته الگوی استخراج‌شده با یافته‌های مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از مؤلفه‌های شناسایی‌شده در پژوهش حاضر، از جمله اعتماد، آموزش، دسترسی به اطلاعات، حمایت نهادی و سرمایه اجتماعی، با نتایج پژوهش‌های پیشین هم‌راستا است. برای نمونه، شیواکوتی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه مشارکت جامعه در کاهش خطر سیلاب در نپال، آموزش و دسترسی به اطلاعات را از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان معرفی کردند و بر نقش سازمان‌های تسهیل‌گر در تقویت تعاملات محلی تأکید داشتند.

با وجود این هم‌پوشانی، الگوی پژوهش حاضر از چند جهت با مدل‌های پیشین تفاوت دارد. نخست، مشارکت در این پژوهش صرفاً به‌عنوان واکنش داوطلبانه افراد هنگام وقوع بحران تلقی نشده، بلکه به‌عنوان فرایندی مستمر برای نهادینه‌سازی مشارکت در مراحل پیشگیری و مقابله با سیلاب مفهوم‌پردازی شده است. دوم، الگوی حاضر پیوند میان «اعتماد و شفافیت»، «آموزش و توانمندسازی» و «سازماندهی و هماهنگی نهادی» را در یک چارچوب واحد نشان می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که اعتماد زمینه انگیزشی مشارکت، آموزش ظرفیت عملیاتی و سازملندهی نهادی امکان به‌کارگیری مؤثر این ظرفیت را فراهم می‌کند. سوم، یافته‌های پژوهش حاضر بر ظرفیت‌های بومی و محلی، از جمله شناخت مردم از محیط، معتمدان محلی، تجهیزات موجود در منطقه و شبکه‌های ارتباطی محلی تأکید ویژه دارد؛ مؤلفه‌هایی که با توجه به تفاوت ساختارهای اجتماعی و نهادی، نمی‌توان آنها را بدون تعدیل از مدل‌های خارجی به بستر ایران منتقل کرد. بنابراین، وجه تمایز اصلی الگوی حاضر در ارائه مجموعه‌ای یکپارچه از شرایط، سازوکارها، راهبردها و پیامدهای جذب مشارکت داوطلبانه در بستر سازمان هلال‌احمر و مدیریت سیلاب در استان یزد است. در این الگو، مشارکت از یک ظرفیت واکنشی و مقطعی به یک ظرفیت اجتماعی و عملیاتی قابل توسعه تبدیل می‌شود که از طریق اعتمادسازی، آموزش مستمر، اطلاع‌رسانی، حمایت و هماهنگی نهادی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، امکان نهادینه‌شدن پیدا می‌کند. با توجه به یافته‌های مدل پارادایمی پژوهش و با تأکید بر ویژگی‌های اجتماعی، نهادی و عملیاتی استان یزد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. ایجاد «بانک ظرفیت‌های محلی سیلاب» در سطح محلات و روستاها :جمعیت هلال‌احمر یزد می‌تواند با همکاری فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و خانه‌های هلال، اطلاعات داوطلبان آموزش‌دیده، معتمدان محلی و مالکان تجهیزات قابل استفاده در سیلاب، از قبیل موتورپمپ، کف‌کش، تراکتور، لودر و وسایل حمل‌ونقل را در یک سامانه محلی ثبت و به‌روزرسانی کند. این بانک باید علاوه بر مشخصات ظرفیت، محدوده جغرافیایی، نوع تجهیزات و نحوه دسترسی به آنها را نیز مشخص کند تا در ساعات اولیه بحران، فرایند بسیج ظرفیت‌های محلی با سرعت بیشتری انجام شود.

۲. استقرار نظام «مسئول محلی مشارکت» در محلات و روستاهای پرخطر :با توجه به نقش معتمدان و افراد مورد اعتماد محلی در انتقال اطلاعات و هدایت مشارکت، برای هر محدوده پرخطر یک یا چند فرد آموزش‌دیده و مورد اعتماد به‌عنوان رابط مشارکت تعیین شود. این افراد می‌توانند حلقه ارتباطی میان مردم، خانه هلال و نهادهای امدادی باشند و در زمان بحران، فراخوان داوطلبان، انتقال هشدارها و هدایت اولیه ظرفیت‌های محلی را تسهیل کنند.

۳. طراحی بسته‌های آموزش کوتاه‌مدت و سناریومحور ویژه سیلاب‌های محلی یزد :آموزش عمومی به‌صورت کلی کافی نیست؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود خانه‌های هلال، دوره‌های کوتاه و عملیاتی متناسب با خطرات واقعی مناطق برگزار کنند؛ برای مثال، آموزش نحوه استفاده ایمن از موتورپمپ و تجهیزات تخلیه آب، شناسایی مسیرهای پرخطر، تخلیه ایمن، کمک‌های اولیه و نحوه گزارش سریع وضعیت منطقه. این پیشنهاد با یافته پژوهش درباره اهمیت آموزش عملی و تمرین پیش از بحران هم‌راستا است.

٤. تدوین نقشه ظرفیت و مسیرهای مشارکت محلی پیش از فصل‌های پرخطر :با توجه به اهمیت شناخت مردم از کوچه‌ها، مسیرهای فرعی و نقاط خطر، پیشنهاد می‌شود در مناطق مستعد سیلاب، نقشه‌ای مشارکتی با همکاری خانه‌های هلال،

شوراهای محلی، معتمدان و داوطلبان تهیه شود که در آن مسیرهای دسترسی، نقاط تجمع، محل تجهیزات، ظرفیت اسکان موقت و نقاط دارای خطر احتمالی مشخص باشد.

۵. ایجاد سازوکار واحد برای اطلاع‌رسانی و فراخوان داوطلبان :به‌منظور جلوگیری از پراکندگی یا تعارض پیام‌ها، پیشنهاد می‌شود پیش از بحران، یک سازوکار مشخص برای انتشار هشدار، اعلام نیاز و فراخوان مشارکت تعیین شود و پیام‌های نهادهای درگیر از طریق یک مسیر هماهنگ منتشر گردد. در این سازوکار، خانه‌های هلال، شبکه‌های اجتماعی محلی و افراد مورد اعتماد می‌توانند نقش بازوی انتقال پیام رسمی به جامعه محلی را ایفا کنند.

۶. تدوین نظام ثبت و بازخورد مشارکت داوطلبانه پس از هر حادثه :به‌جای قدردانی صرفاً نمادین، پیشنهاد می‌شود پس از هر عملیات، میزان مشارکت افراد، نوع کمک، نتایج حاصل و نیازهای باقی‌مانده ثبت و گزارش کوتاهی از آثار مشارکت برای داوطلبان منتشر شود. این اقدام می‌تواند هم به تقویت اعتماد و انگیزه مشارکت و هم به ایجاد حافظه سازمانی برای بحران‌های بعدی کمک کند. اهمیت نمایش اثر مشارکت و قدردانی از داوطلبان نیز در داده‌های مصاحبه مورد تأکید قرار گرفته است.

۷. اجرای مانور مشترک «هلال‌احمر–نهادهای محلی–داوطلبان» در مناطق منتخب :با توجه به اینکه یافته‌های پژوهش، حمایت و هماهنگی نهادی را از الزامات مشارکت مؤثر می‌داند، پیشنهاد می‌شود پیش از فصل‌های پرخطر، مانورهای محدود و منطقه‌ای با حضور هلال‌احمر، شهرداری، فرمانداری، آتش‌نشانی، خانه‌های هلال، معتمدان و داوطلبان آموزش‌دیده برگزار شود تا نقش هر گروه، مسیر ارتباطی و نحوه استفاده از تجهیزات محلی از قبل مشخص و آزمون شود.

۸. ایجاد سازوکار ویژه برای ایمنی داوطلبان در دقایق اولیه بحران :با توجه به وجود موانعی مانند ترس از برق‌گرفتگی، ریزش سازه‌ها و آسیب به افراد، مشارکت داوطلبانه نباید صرفاً بر انگیزه افراد متکی باشد. لازم است داوطلبان پیش از ورود به عملیات، بر اساس سطح آموزش و نوع فعالیت دسته‌بندی شوند و فقط در فعالیت‌های متناسب با توانایی و آموزش خود به‌کار گرفته شوند.

محدودیت‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، ترکیب جنسیتی مشارکت‌کنندگان است؛ به‌گونه‌ای که هر ۱۲ مشارکت‌کننده مرد بودند. این موضوع می‌تواند موجب شود برخی ابعاد تجربه و ادراک زنان از مشارکت داوطلبانه در مدیریت سیلاب، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پشتیبانی و تدارکات، اسکان، تغذیه و حمایت روانی و اجتماعی، در داده‌های پژوهش به اندازه کافی بازنمایی نشده باشد. این محدودیت از آن جهت اهمیت بیشتری دارد که در خلال برخی مصاحبه‌های انجام‌شده نیز به نقش و ظرفیت زنان در فرایند امدادرسانی اشاره شده است. بنابراین، هرچند یافته‌های پژوهش تصویری از عوامل و سازوکارهای جذب مشارکت داوطلبانه از منظر کنشگران مورد مطالعه ارائه می‌کند، ممکن است برخی مؤلفه‌های خاص مشارکت زنان در شرایط بحران در الگوی حاضر کمتر آشکار شده باشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از نمونه‌های متنوع‌تر از نظر جنسیت و با حضور زنان دارای تجربه مشارکت در امدادرسانی به سیلاب، ابعاد جنسیتی مشارکت داوطلبانه را به‌صورت عمیق‌تر بررسی و الگوی حاضر را تکمیل کنند

لازم به ذکر است که با توجه به ترکیب مشارکت‌کنندگان، نتایج این پژوهش عمدتاً بازتاب‌دهنده تجربه و ادراک کنشگران فعال در نظام مدیریت بحران، شامل مدیران، کارشناسان، نجاتگران و داوطلبان هلال‌احمر است؛ ازاین‌رو، بررسی دیدگاه شهروندان دارای تجربه مستقیم سیلاب، گروه‌های محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد در پژوهش‌های آتی می‌تواند به غنای بیشتر و تکمیل الگوی حاضر کمک کند. همچنین علی‌رغم تلاش برای جامعیت، پژوهش حاضر عمدتاً بر سیل‌های یزد تمرکز داشت و عوامل فرهنگی خاص (مانند اقوام محلی) را کمتر بررسی کرد، که ممکن است در بحران‌های دیگر مناطق کشور متفاوت باشد و این امر به منزله محدودیت پژوهش قلمداد می‌شود. در راستای یافته‌های حاصل از پژوهش، پیشنهاد می‌شود تا برای هدایت پژوهش‌های اتی در مطالعات بعدی به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- تجربه و ادراک زنان از مشارکت داوطلبانه در مدیریت سیلاب چگونه است و چه ابعادی از مشارکت (نظیر پشتیبانی، اسکان، تغذیه و حمایت روانی-اجتماعی) از منظر آنان قابل تبیین است؟
- دیدگاه شهروندان عادی با تجربه مستقیم سیلاب، گروه‌های محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد درباره عوامل مؤثر بر مشارکت داوطلبانه چیست و تا چه میزان با یافته‌های این پژوهش (مبتنی بر دیدگاه کنشگران نظام مدیریت بحران) همسو یا متفاوت است؟
- نقش عوامل فرهنگی و قومی مناطق مختلف کشور در شکل‌گیری مشارکت داوطلبانه در بحران‌های سیل چگونه است و الگوی ارائه‌شده در این پژوهش در سایر زمینه‌های فرهنگی نیز اعتبار دارد؟
- عوامل تسهیل‌گر و بازدارنده تبدیل مشارکت داوطلبانه مقطعی به مشارکت نهادینه و پایدار در نظام مدیریت بحران کدامند؟
- راهکارهای ارتقاء انگیزش و حفظ داوطلبان در سازمان‌های امدادی (مانند جمعیت هلال‌احمر) چیست و چه مداخلات مدیریتی می‌تواند به کاهش ترک خدمت داوطلبان منجر شود؟

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار

منابع

الله‌وردی حمزه، سید مجید؛ اخباری، محمد. (۱۴۰۰). شناسایی متغیرهای اصلی اثرگذار بر تمایل شهروندان در مشارکت شهری (مطالعه موردی: شهر اصفهان) .فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی شهری، ۱۱(۳)، ۱۲۳-۱۴۵.

باستانی، مژده، محمد نیای قرائی، فاطمه، استادی، مریم، رضایی، محمدرضا. (۱۴۰۲). بررسی مؤلفه های برنامه ریزی مشارکتی با رویکرد تاب آوری اجتماعی: مرور سیستماتیک. *پژوهشهای جغرافیای انسانی*, ۵۵(۳), ۱-۱۴.

جعفری، علی؛ رضایی، محمود؛ کریمی، فرزاد. (۱۴۰۱). تحول رویکرد مدیریت سیلاب از سازه‌محور به اجتماع‌محور: مطالعه موردی حوزه‌آبریز کارون .فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت بحران، ۱۱(۳)، ۶۷-۴۵.

حجازی، یوسف؛ رضویان، سیدحسن؛ میرزایی، علی. (۱۳۹۸). ارزیابی خسارات سیلاب‌های ۱۳۹۸ و تحلیل عوامل تشدیدکننده آن .فصلنامه علمی-پژوهشی مخاطرات محیط طبیعی، ۸(۲۱)، ۱۸-۱.

حیدری فر، محمدرئوف، سلیمانی راد، اسماعیل و حسینی سیاه گلی، مهناز . (۱۳۹۹). بررسی نقش مخاطرات طبیعی و مدیریت بحران در آمایش سرزمین مطالعه موردی: استان کرمانشاه .فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۱(۱)، ۵۵-۷۶

ریکی، رحمت‌الله؛ میری، محمدرضا؛ حافظ‌رضازاده، محمدرضا. (۱۴۰۰). واسنجی مشارکت شهروندان در بسترهای مختلف در مدیریت مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر زاهدان) .مجله مطالعات برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، ۱(۲)، ۴۵-۶۰

سلطانی احمد، خانکه حمیدرضا، نصیری علی. تبیین فرایندهای ساماندهی داوطلبان مشارکت در مدیریت بحران‌های شهری تهران. دانش پیشگیری و مدیریت بحران. ۱۴۰۴; ۱۵ (۱) :۱۶-۲۹

شاطری, پروانه , صالحی, صادق , محسنی, رضا علی و شریفی, منصور . (۱۴۰۰). سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی و شیوههای جلب مشارکت اعضا (مطالعهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد محیط‌زیستی تهران با رهیافت نظریهٔ بنیادی) .جامعه شناسی کاربردی، ۳۲(۲)، ۹۱-۱۲۸

صابری فر، رستم (۱۴۰۱). پیش بینی احتمال مشارکت شهروندان در مدیریت بحران بر اساس نظریه تخصیص زمان (نمونه موردی شهر مشهد). فصلنامه جغرافیای سرزمین، ۴(۷۶)، ۷۹-۹۹

صالحی، صادق. (۱۳۹۹). تاب‌آوری اکولوژیک و مدیریت مخاطرات طبیعی: مطالعه موردی مناطق سیل‌خیز ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

صنعت خواه، علیرضا. (۱۴۰۳). نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت کارآمد بحران سیل: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه علمی دانش پیشگیری و مدیریت بحران*, ۱۴(۴), ۴۷۸-۴۹۵.

عابدی، روح‌الله، شاه محمدی، محمد. (۲۰۲۵). نقش تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بحران‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات و پژوهش های امنیت داخلی*, ۳(۱), ۱۳۰-۱۶۴.

عشایری، طاها، میرزاپور، علی. (۱۴۰۵). بررسی و ارزیابی تأثیر شاخص سرمایه اجتماعی بر تاب‌آوری اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی در ایران: فراتحلیلی بر پژوهش‌های موجود. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*.

قیصری، نوراله (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی، معناکاوی یک مفهوم راهبردی. فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، ۴(۱۱)، ۳۱-۵۹

نجفی، محمدعلی؛ بارگاهی، محمدرضا. (۱۳۹۸). تحلیل روند تشدید معضلات محیط شهری در دهه اخیر: مطالعه موردی کلان‌شهر تهران .فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۱(۳)، ۶۹۲-۶۷۵.

نجفی‌کانی، علی؛ رضایی، محمدرضا؛ صفاری، امیر. (۱۴۰۰). تحلیل اثرات تشدیدکننده تغییرات کاربری اراضی بر خسارات سیلاب‌های شهری (مطالعه موردی: شهر تهران) .فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۲۵(۷۶)، ۲۰-۱.

نوحه گر، احمد، صالحی، اسماعیل، علوی نائینی، مینا، علوی نائینی، علی. (۱۳۹۸). اولویت‌بندی روش‌های مشارکت و آموزش مردم در پیش‌بینی و هشدار سیلاب در ایران. مدیریت مخاطرات محیطی, ۶(۳), ۲۵۹-۲۶۹.

نوروززاده، احد . (۱۴۰۲). طراحی و اعتبارسنجی الگویی برای افزایش مشارکت اجتماعی در جهت کنترل پاندمی، با تأکید بر امنیت روانی جامعه؛ رهیافتی آمیخته .*جامعه شناسی کاربردی، ۳۴(۲)، ۱۲۳-۱۴۱*

وحیدا، فریده؛ نیازی، محسن. (۱۳۹۳). مشارکت مردمی در توسعه پایدار: چارچوب‌ها و تجربه‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ولی‌پور هفشجانی, شهناز . (۱۴۰۲). روایت‌پژوهی آثار اجتماعی مشارکت ملی مدیریت بحران کرونا بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان (با رویکرد پدیدارشناختی) .نظریه و عمل در تربیت معلمان، ۹(۱۶)، ۱۵۹-۱۸۴

یزدانی، مهتاب، عادلیان، حمیده، پروین، ستار. (۲۰۲۵). الگوی مطلوب جذب و نگهداشت مشارکت نیروهای داوطلب. *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*, ۱۶(۶۳), ۱۵۷-۲۲۸.

Begg, C., et al. (2019). Assessing the Effectiveness of Community-Based Flood Risk Management: A Review of the Literature. *Journal of Flood Risk Management*, ۱۲(۴), e۱۲۴۸۹.

Castells, M. (2023). "Participatory Agency and Inner Transformation in Networked Social Movements." *Journal of Social Theory*, 25(3), 45–67.

Chan, N. W., et al. (2022). Community Participation in Flood Risk Management: A Case Study from Malaysia. *Journal of Flood Risk Management*, ۱۵(۲), e۱۲۷۶۶.

Dai, H., Han, J., & Ma, S. (2022). Unpacking the black box of public participation in environmental impact assessment (EIA) for infrastructure projects: A case study of urban development in China. *Environmental Impact Assessment Review*, 97, 106891.

Meybodi, A. R., Brahmi, M., Mohammadi, M., Hosseini, E., & Loan, N. T. (2023). A Qualitative Approach to the Success of Iranian Women Entrepreneurs: The Success of Iranian Women Entrepreneurs. *JWEE*, (1-2), 212-237.

Orru, K., Hansson, S., Nero, K., & Marchese, S. (2026). Disaster preparedness capacity development: A scenario-based system for social vulnerability reduction. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 106137.

Parker, J., & Weinthal, E. (2021). The Roles of Government and NGOs in Community-Based Flood Management. *Environmental Science & Policy*, ۱۱۸, ۴۵-۵۳.

Pourkhodabakhshi, H., Bayekolaei, M. M., & KiaKojouri, D. (2025). Qualitative Thematic Analysis of Key Dimensions in the Development of a Supervision-Oriented Culture: A Study in Iranian Governmental Organizations. *Journal of Resource Management and Decision Engineering*, *4*(1), 1-9.

Putnam, R. D. (2000). Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community. Simon & Schuster.

Şentürk, M., Özdinç, Ö., Topal, M. H., Başpınar, A., Cergibozan, R., Mengüç, K., & Durmuş, A. (2026). A conceptual co-design co-create framework for citizen engagement in disaster risk reduction and resilience. *Sustainability*, 18(9), 4596.

Shiwakoti, P., et al. (2023). Factors Influencing Community Participation in Flood Mitigation: Insights from Nepal and Implications for Global South. *Natural Hazards*, ۱۱۵(۳), ۲۷۱۹-۲۷۳۸.

Taheri, E. S., Fattahi, M., & Aghajani, H. (2024). A Qualitative Model of the Indicators and Components of Internal Marketing, Organizational Intelligence, and Organizational Innovation in the Tax Administration of Iran. *Management Strategies and Engineering Sciences*, *6*(5), 59-68.

Tolley, R. (2017). Local Resilience and Humanitarian Assistance: The Role of Community Participation in Disaster Response. *Journal of Emergency Management*, 15(2), 105-11

United Nations Office for Disaster Risk Reduction (UNDRR). (2023). *Global Assessment Report on Disaster Risk Reduction*. Geneva, Switzerland.

Watkins, S., & Collins, A. (2025). From community engagement to community inclusion for socially and procedurally just flood risk governance. *Journal of Flood Risk Management*, *18*(1), e13042.

World Bank. (2023). *Climate Change and Disaster Risk Management: Global Economic Implications*. Washington, DC: World Bank Group.

نسخه پذیرفته شده پیش از انتشار